

نیازهای زیستی انسانی به مثابه بنیان حقوق بشر و بازتاب آن در اسناد بین الملل حقوق بشر و قانون اساسی ایران

چکیده

نیازهای زیستی در پرتو اسناد بین المللی شامل آن دسته از نیازهایی بوده است که در بخش سوم ماده ۶ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی از ماده ۱ تا ۲۷ آمده است، این قسم از میثاق بین المللی حقوق بشر به بررسی نیازهای اساسی حقوق بشر از جمله؛ حق حیات و هر آنچه که برای زیستن انسان مورد نیاز است از قبیل برخورداری از آزادی و امنیت شخصی، حریم خصوصی، خانواده، حق تابعیت، آزادی فکر، حق شرایط کار مطلوب و عادلانه، حق غذای کافی، پناهگاه، پوشاک و امنیت اجتماعی، حق سلامت، حق آموزش، حق مالکیت، حق مشارکت در زندگی فرهنگی، حق توسعه و پیشرفت اشاره دارد. ساختار کلی فعلی این اعلامیه جهانی و ساختار ایجاد شده شامل؛ یک مقدمه و سی ماده است، لذا آنچه در این مقاله مورد هدف است نیازهای زیستی انسانی به مثابه بنیان حقوق بشر و بازتاب آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با نگاهی بر اسناد بین المللی حقوق بشر بوده است که به روش توصیفی-تحلیلی توصیفی انجام پذیرفته و برای جمع آوری اطلاعات به روش مطالعه اسنادی-کتابخانه ای گام برداشته و لذا آنچه محقق در صدد تحقق آن است؛ تشریح مبانی حقوق بشر در نظام حقوقی ایران، واکاوی جایگاه نیازهای زیستی انسانی در تقنین و در حوزه حقوق بشر، مقایسه تطبیقی رویکرد ایران با اسناد بین الملل حقوق بشر به مقوله حقوق بنیادین بشر و بررسی رویکرد حقوق ایران و بین الملل به مقوله حق برخورداری از حیات، آزادی، امنیت، مسکن، بهداشت، و... تبیین و شناسایی خلاء های حقوقی و ارائه پیشنهاداتی منظور مرتفع نمودن موانع و نقصان های حقوقی در راستای توجه مقنن داخلی و اصلاح این موارد در قوانین اساسی و جاری جمهوری اسلامی ایران است.

واژه های کلیدی: نیاز، نیازهای زیستی انسانی، قانون اساسی ایران، حقوق بشر، اسناد بین المللی حقوق بشر.

مقدمه

امروزه در جوامع به واسطه وجود بسیاری از بحران های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی پرداختن به « نیازهای زیستی انسانی » همچنان فعالیتی جدید و بدیع محسوب می شود؛ اما این نیاز در کشورهای توسعه یافته، شکل متفاوتی دارد و

برخورداری از نیازهای انسانی برای زیستن یکی از مهمترین نوع «حقوق انسانی» محسوب می‌شود؛ حقی که در محور موازین پیچیده حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده و از ضمانت‌های اجرایی خاصی برخوردار است. حقوق بشر یکی از مهمترین موضوعات عصر حاضر بوده و یکی از رایج‌ترین گفتمان‌های دوره معاصر، در ارتباط با حقوق انسان و مباحث پیرامون آن بوده است، پیرامون نیازهای اساسی انسان برای زیستن در ایران از جمله تامین خوراک، پوشاک، رفاه و آسایش، نیاز به خدمات درمانی، امکانات رفاهی، تحصیلات و غیره مسکن است. نیاز به مسکن یکی از ابتدایی‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای انسان است که خود نیز نقش مهمی در پاسخگویی به سایر نیازها از جمله در محیا کردن امنیت و آرامش ایفا می‌کند. توجه به منزلت انسانی در گستره اخلاق زیستی به مثابه یک ارزش بنیادین حقوق بشر تلقی می‌گردد که در کنار حیات و دوام حیات برای بشر ضروری بوده و جزء لاینفک وجود معنوی انسان محسوب می‌شود. بنابراین در کنار نیازهای زیستی انسانی، ارزش اخلاقی به عنوان پایه و اساس ادامه حیات محسوب می‌شود. لذا، این ارزش که در عرصه اخلاق زیستی قرار دارد جزء «ارزش بنیادین اخلاقی» حقوق بشر بوده و در گستره حقوقی، در چهره «حق» پدیدار می‌گردد.

نوع بشر، دارای ابعاد وجودی و نیازهای مختلف و گوناگونی است. نیاز چنان در زندگی انسان مهم و حیاتی است که نبودن آن باعث رکود و مرگ تدریجی او خواهد شد. خداوند انسان را نیازمند آفریده است تا همواره در تالش و تکاپو در پی جبران کاستی‌ها و ارضای نیازهای خود باشد و مسیر تکامل را بییماید. بر این مبنا، نیازها، یگانه عامل انگیزش رفتار در انسان به شمار می‌رود؛ اما برخی این تبیین را کافی ندانسته، معتقدند که خود نیاز به تنهایی نمی‌تواند عامل فعالیت انسان باشد؛ زیرا نیاز نوعی نداشتن و کمبود است. آنچه می‌تواند عامل فعالیت انسان و نیروی انگیزشی داشته باشد، احساس نیاز است.^۱

وقتی انسان چیزی را در خود احساس نیاز کرد و دانست که داشتن آن در بقای او نقش دارد یا نوعی ارزش محسوب می‌شود، در جهت رسیدن به آن تلاش می‌نماید همواره نیازها به منزله انگیزه‌های مهم رفتاری مورد توجه روانشناسان بوده‌اند. با وجود نیازها زندگی به وجود می‌آید زیرا آنچه که اساساً باعث می‌شود انسان تلاش کند و همواره پویا باشد همین نیازها می‌باشد. در زمینه اینکه انسان چه نیازهایی و در نفس او چه امیالی نهفته است، دسته بندی‌های مختلفی از سوی اندیشمندان ارائه شده است؛ در واقع نیاز مفهومی است پیچیده و دارای ابعاد گوناگون که درباره آن هیچ‌گونه تعریف منحصر بفردی که مورد پذیرش همگان باشد وجود ندارد و فهم آن بستگی به این دارد که این امر را در کدام یک از شاخه‌های علوم بشری و برای چه تحقیقی مورد بررسی قرار داده و از آن چه استفاده‌ای می‌کنیم. هر کدام از علوم مختلف از دیدگاه خود به نیازها پرداخته اند بطوریکه برخی انواع نیازها را از حیث اولیه و ثانویه بودن، برخی دیگر انواع نیاز را از حیث جسمانی و روانی، برخی دیگر از حیث فردی و اجتماعی و غیره دسته بندی نموده اند؛ بطوریکه فروید^۲، صحبت از نیازهای خودآگاه و ناخودآگاه نموده، موری^۳ (۱۹۳۸) به تبیین نیازهای اولیه و ثانویه پرداخته، فردریک هرزبرگ^۴ (۱۹۸۷)، سخن از نیازهای سطح پائین و نیازهای سطح بالا به میان آورده، کونینگ و وی^۵ (۱۹۹۷) نیازها را به سه گروه نیازهای مربوط به خود، نیازهای مربوط به دیگران و نیازهای مربوط به خدا دسته بندی کرده اند... اما مهمترین و در عین حال می‌توان گفت، جامع‌ترین رویکردی نظری که در خصوص مقوله نیازهای انسانی مطرح شده است، نظریه مازلو^۶ است. سلسله مراتب مازلو راه جالبی را برای نگرستن به رابطه میان انگیزه‌های آدمی و فرصت‌هایی که محیط عرضه می‌کند، فراهم می‌آورد. انگیزه‌ها تمایلاتی هستند که هدف نهایی آنها حفظ بقاست. برای درک روشن هرم مازلو لازم است برای هر کدام از نیازهای این سلسله مراتب تعریفی بدون ابهام و صریح ارائه شود.

مازلو نیازهای انسان را به ۵ دسته تقسیم نموده است

۱. جهانبخش ابراهیمی، سیری در حقوق بشر (تهران: زوار، ۱۳۸۳)، ۲۹۱.

۲. Freud

۳. Murray

۴. Frederick Herzberg

۵. Koenig and Weir

۶. Maslow's theory

۱. نیازهای فیزیولوژیکی (جسمانی) مانند خوراک، پوشاک، مسکن که حیات و بقای انسان بدون ارضای آنها میسر نیست
 ۲. نیاز به امنیت: انسان مایل است در جامعه‌ای زندگی کند که ایمن، توأم با نظم، قابل پیش بینی، قانونمند و سازمان یافته باشد، به طوری که تأمین نیازهای فیزیولوژیکی او دچار اختلال نگردد.
 ۳. نیاز به تعلق گروه و محبت: انسان نیازمند آن است که با دیگران محسوس بوده و مراد داشته باشد و مورد توجه و محبت دیگران قرار گیرد. مخدوش شدن این نیاز زیربنای بسیاری از موارد ناسازگاری است.
 ۴. نیاز به احترام و با ارزش بودن: تمام افراد اجتماع نیاز دارند که دارای ارزش شخصی و احترام از سوی دیگران باشند. این نیازها را می توان به دو دسته تقسیم کرد:
 - الف) نیاز به توانایی، کفایت، لیاقت، استقلال و آزادی،
 - ب) نیاز به موقعیت و تشخیص: ارضای این نیاز موجب احساس اطمینان شخصی، با ارزش بودن، توانمندی و کفایت می شود و عدم ارضای آن موجب احساس حقارت، احساس ضعف و درماندگی می گردد.
 ۵. نیاز به خودیابی و خویشن شناسی: یعنی به آن چه که انسان می تواند باشد دست یابد و بتواند ماهیت خویش را به منصفه ظهور رسانده و از قوه به فعل درآورد.^۷
- با تأمل در دیدگاه‌های مختلف مطرح شده در خواهیم یافت که علی‌رغم وجود دسته بندی‌های مختلف، وجه مشترک‌ها آن است که عمده‌تاً تمامی این دیدگاه در مصادیق نیازهای انسان مشترک است و برجسته ترین نیازهای انسانی را مواردی چون: حق حیات، امنیت، مسکن، غذا، پوشاک، سلامت جسمی، روانی، آموزش، شغل و درآمد و... عنوان نموده اند. تدقیق در این نیازها مبین آن است که همگی در زمره بنیانهای حقوق بشر قلمداد می‌شود؛ بطوریکه، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و پیمان نامه‌های متعدد (که عهدنامه و میثاق هم خوانده می‌شوند) رعایت این حقوق در منشور ملل متحد، برای تمامی انسان‌ها تضمین شده است و دیگر اسناد بین المللی حقوق بشر از قبیل؛ کنوانسیون‌ها، اجماع‌ها و اعلامیه‌های حقوق بشری نیز بر رعایت و لازم الاجرا بودن آنها صحه گذارده و تأکید نموده‌اند.

۱- واکاوی مبانی و مفاهیم نظری حقوق بشر در قوانین ملی و بین المللی

۱-۱-۱- حقوق

واژه حقوق دارای معانی مختلفی است که برخی آن‌ها عبارت اند از:

«حقوق» به معنای امتیازات و ویژگی‌های هر یک از افراد یک جامعه است که گاه از آن به «حقوق فردی» تعبیر می شود مانند: حق حیات، حق مالکیت، حق اُبوّت، حق بنوّت و حق زوجیت^۸. در فرهنگ فارسی معین از واژه "حقوق" جمع "حق" یعنی راستی‌ها، بهره‌ها، مواجب، اموال آمده است (فرهنگ فارسی معین/ج ۱) «حقوق» به معنای «علم حقوق» که منظور از آن «دانش حقوق» است. در اصطلاح واژه "حقوق" مجموعه قواعدی است که از طریق موسسات اجتماعی یا دولتی، جهت تنظیم رفتار ایجاد و اعمال می‌شود.

۱-۱-۱-۱- حقوق بشر

حقوق بشر^۹، حقوقی بنیادین و انتقال ناپذیر است که برای حیات نوع بشر اساسی تلقی می شود^{۱۰}؛ حقوق انسانی انسان‌ها که ذاتی، جهانشمول و غیرقابل سلب می باشد و انسان‌ها به خاطر انسان بودنشان به صورت یکسان بایستی از آنها

۷. علی رضائیان، مدیریت رفتار سازمانی (تهران: علم و ادب، ۱۳۷۹)، ۱۰۴.

۸. ناصر کاتوزیان، فلسفه حقوق (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷)، ۴۳.

۹. Human Right.

بهره مند گردند، "حقوق بشر" قلمداد می گردد. بطوریکه جهان شمولی^{۱۱}، ذاتی^{۱۲} و غیرقابل سلب بودن^{۱۳}، ویژگی حق هایی هستند که انسان به دلیل حیثیت و کرامت خود باید به طور یکسان از آنها برخوردار گردد^{۱۴} می توان گفت، حقوق بشر نظامی است هنجاری که وظایف متقابل افراد در انجام و یا جلوگیری از عملی و همچنین روابط آنها با اشیاء و یا موقعیت ها را در چارچوبی هنجاری «باید مدار» تنظیم می کند. ریشه اصلی رویارویی های نظری در مورد حقوق بشر در تلقی های متفاوت از ماهیت آن نهفته است؛ بطوریکه در تعریف حقوق بشر آمده است: «حقوق بشر به معنای امتیازاتی کلی است که هر انسانی دارای آن است»

در واقع اندیشه ی حقوق بشر، اندیشه ای است که تمام افراد بشر، فقط به خاطر انسانیت از حقوق سلب نشدنی ویژه ای برخوردارند. برطبق این تعریف، حقوق بشر از نظام های فکری و حقوقی جدا نیست. حقوق بشر مسیری است و سمت اجرای بینش و تکوین ویژه ای از عدالت اجتماعی. از دیدگاه اسلام، حقوق بشر، حقوق بنیادین و پایه ای است که هر انسان، فارغ از رنگ، ملیت، نژاد، زبان، جغرافیا و اوضاع و احوال متغیر اجتماع یا میزان قابلیت و صالحیت فردی و هر عنوان عارضی دیگری که او از خداوند دریافت کرده است، این حق را داراست. تمام تعاریف فوق حاکی از آن است که حقوق بشر بر دو اصل استوار است: ذاتی بودن حقوق بشر به جهت انسان بودن بشر؛ کرامت ذاتی و شأن افراد^{۱۵}.

۱-۲- جایگاه حقوق بشر در قوانین ملی و بین المللی

حقوق بشر گرچه در سده اخیر از سوی سازمان ملل متحد و در چند سده قبل در آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی مطرح شد، ولی براین، شواهد و مستندات تاریخی بیانگر این است که حقوق بشر، قبل از هر چیزی ریشه در ادیان الهی دارد و اصول اصلی حقوق طبیعی شامل حق حیات، حق کرامت، حق تعلیم و تربیت، حق آزادی مسئولانه و حق مساوات، مستند به اصیل ترین منابع اسلامی هستند که جامع و خاتم همه ادیان الهی است^{۱۶}.

"حقوق بشر" از اساسی ترین و ابتدایی ترین حقوق ها می باشد که هر فرد به طور ذاتی، فطری، به جهت انسان بودن از آن بهره مند می شود. طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین المللی؛ حقوق بشر دارای ابعاد و ویژگی هایی می باشد که شامل؛ جهان شمولی، تفکیک ناپذیری، غیرقابل سلب، تبعیض ناپذیری، انتقال ناپذیری، برابری طلبی، پایداری و برابری و به هم پیوستگی و درهم تنیدگی بوده و همه افراد فارغ از عواملی چون جنسیت، نژاد، ملیت، زبان، گرایش جنسی، مذهب، رنگ و غیره در برخورداری از این حقوق با هم یکسانند و هیچ گونه تفاوتی، ارجحیت، محدودیت و محرومیت در بهره مندی از این حقوق ندارند و این حقوق قابل نقض نیستند^{۱۷}.

این حقوق هم شامل حقوق قانونی که در قوانین ملی و بین المللی اتخاذ شده و حقوق طبیعی می باشد. چنانچه بر اساس ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است «تمامی انبای بشر آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ منزلت و حقوق با هم برابرند. به آن ها، موهبت عقل و وجدان عطا شده است و باید نسبت به یکدیگر روحیه برادری داشته باشند» (ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر)

۱۰. ربکا والاس، حقوق بین الملل، ترجمه و تحقیق دکتر سید قاسم زمانی و مهناز بهراملو (تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۲)، ۲۵۵.

۱۱. به معنای فرافرهنگی

۱۲. به معنای پیوند با حیثیت و کرامت انسانی و غیرقابل سلب بودن

۱۳. بدین معنی است که این حقها ریشه در قانونگذاری و یا اراده حکومت ندارد.

۱۴. سید فاطمی سید محمد قاری، حقوق بشر در جهان معاصر (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش، ۱۳۸۸)، ۱۱۸.

۱۵. همان، ۱۲۰.

۱۶. ابراهیمی، پیشین، ۱۱.

۱۷. هیبت اله نژندی منش، درآمدی بر حقوق بین الملل بشر (انتشارات: خرسندی، ۱۳۹۵)، ۴۲.

در اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در الزام به انطباق همه‌ی قوانین با موازین اسلامی آمده است: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، اقتصادی، مالی، فرهنگی، اداری، نظامی، سیاسی و غیر باید بر اساس موازین اسلامی باشد و این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.»

قوانین داخلی ایران غالباً از فقه شیعه گرفته شده و مباحث عمده در آن عبارت از: اموال، وصایا و ارث، اسباب تملک (احیای اراضی موات و حیزات اشیای مباحه، عقود و معاملات و الزامات)، اشخاص، حجر، ازدواج، قیمومت، طلاق، اولاد، خانواده، اقرار و شهادت (گواهی). حقوق ایران در ارتباط مستقیم با فقه بوده و در محور «قانون مدنی ایران»، که دارای ۱۳۳۵ ماده است، قرار دارد.

۱-۲- مفهوم حقوق انسانی بنیادین

امروزه، مفهوم حقوق انسانی بنیادین با حقوق بشر بنیادین، جایگاه برجسته‌ای در ادبیات حقوقی برخی کشورها از جمله آلمان، اسپانیا و فرانسه پیدا کرده است.

بخش اول قانون اساسی اسپانیا «منع مطلق اجبار افراد به افشای عقیده و مذهب آنها» «حقوق و تکالیف بنیادین» نام دارد. در این بخش به مواردی چون «کرامت انسانی»، «برابری در مقابل قانون»، «نحوه اکتساب تابعیت اسپانیایی»، «حق حیات و تمامیت جسمانی و اخلاقی»، و مانند آن اشاره شده است. در حقوق آلمان و اسپانیا، اصطلاح «حقوق بنیادین» بدین ترتیب، رسماً توسط خود قوانین اساسی این کشورها به کار گرفته شده و وارد نظام اساسی آنها شده است. بخش اول قانون بنیادین جمهوری فدرال آلمان، «حقوق بنیادین» نام گرفته و طی مواد یک تا ۱۹، به تشریح مواردی چون «برابری در مقابل قانون» «حق حیات»، «کرامت انسانی» و مانند آن پرداخته است این موارد نشان می‌دهد، مقصود از حقوق بنیادین نه همه حقوق بشر، بلکه حقوق و آزادی‌هایی است که وجود آنها موجب قوام و نبود آنها موجب زوال شخص یا شخصیت انسانی می‌شود.^{۱۸}

اساساً بر این مبنا است که در قوانین کشورهای اسلامی از جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بر مقوله نیازهای بشری و تلاش به منظور تأمین آنها، اهتمام و تأکید گردیده است؛ بطوریکه، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مفاهیم و موازین حقوق بشر و آزادی‌های اساسی با حفظ معیارهای دینی توجه مناسبی شده است. بر این مبنا در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از سویی به کرامت و ارزش ذاتی انسان پرداخته و از سوی دیگر، حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مهم را به طور خاص مورد تأکید قرار داده و رعایت آنها را لازم دانسته است.^{۱۹} برای نمونه، ذیل فصل چهارم قانون اساسی، در اصل ۴۳ آمده، «برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود؛

۱- تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات الزم برای تشکیل خانواده برای همه.

۲- تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای

۱۸. علی اکبر گرجی، «مبنا و مفهوم حقوق بنیادین»، فصلنامه حقوق اساسی ۲ (۱۳۸۳): ۷.
۱۹. ابراهیم موسی زاده و هادی شکری، حقوق بشر در اسلام (تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳)، ۱۱۰.

- بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.
- ۳- تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعت کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.
- ۴- رعایت آزادی انتخاب شغل، و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری.
- ۵- منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام.
- ۶- منع اسراف و تبذیر در همه شیون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات.
- ۷- استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور.
- ۸- جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور.
- ۹- تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.

تأمین نیازهای انسانی، مطمح نظر قانون اساسی و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نیز می‌باشد. با تدقیق در مفاده اصل ۴۳ در خواهیم یافت که الگوی اقتصادی قانون اساسی «الگوی تأمین نیازهای اساسی» می‌باشد، الگویی که در پی رفع نیازهای اساسی انسان در جریان رشد و تکامل اوست. در این الگو اقتصاد وسیله است و وظیفه فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی را بر عهده دارد. این الگو وظایف متعدد و وسیعی بر عهده دولت جمهوری اسلامی ایران به منظور رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی انسان گذاشته است. با این وجود، مقایسه ادراک از نیازهای بشری و مقوله حقوق بشر در حقوق ایران (اسلام و غرب) که مبنای شکل‌گیری اسناد بین‌المللی حقوق بشر می‌باشند؛ مبین حقایق چندی است که حکایت از موارد اشتراک کلی هر دو نظام حقوقی در درک و پذیرش نیاز قطعی انسان‌هاست به حقوق و تکالیفی که حیات طبیعی و حیات مطلوب آنان را تأمین نماید و نیز هر دو نظام حقوقی در وضع و تدوین موادی برای رفع نیازمندی‌های هر دو قسم حیات (حیات طبیعی و حیات مطلوب و معقول) اتفاق نظر دارند. علیرغم این اشتراک، مواردی از اختلاف نظر و تعارض در این خصوص در دو منبع حقوقی مذکور به چشم می‌خورد.

۳-۱- نیازهای زیستی انسانی

در عربی واژه "نیاز" به حَاجَةً (کتاب قرآن)، در فرهنگ فارسی معین از واژه «نیاز» به حاجت، احتیاج (فرهنگ فارسی معین)، میل و خواهش (فرهنگ فارسی عمید) اشاره شده است. در اصطلاح "نیاز" در افراد مختلف صرفنظر از شرایط محیط وجود دارد و باعث می‌شود نتیجه مشخص جذاب به نظر برسد در حقیقت حالت کیفی و درونی در انسان است که مفهوم عمومی داشته در تعریفی دیگر آمده، نیاز در انسان چیزی درونی است که او را به فعالیت و کار و می‌دارد. از بدو تولد همه انسان‌ها نیازهایی دارند که این نیازها به نوعی باید برآورده شوند. مهم است بدانیم اگر در تأمین نیازهای اساسی انسان تعادل برقرار شود، این انسان به خوشبختی رسیده و با سعادت زندگی خواهد کرد و در زندگی‌اش احساس شادی خواهد نمود.

۱-۳-۱- نیازهای زیستی در اصطلاح حقوق

برخی حقوق‌دانان تعاریف جدیدی در مورد نیازها ارائه کرده اند. مثلاً: نیازهای زیستی اشاره به فقدان‌ها و کمبودهای احساس شده در زندگی توسط فرد دارد که اگر برطرف شود موجب افزایش رفاه و آسایش او می‌گردد (شعبانعلی فمی، ۱۳۸۰: ۸۳) به عبارت دیگر «نیازهای زیستی عبارت است از هرگونه فقدان یا کمبود احساس شده توسط فرد در زندگی که

مخالف با رفاه او باشد (اتکینسون و همکاران^{۲۰}، ۲۰۰۰: ۸۱) می‌توان مفهوم نیاز را در مجموع به تلاش جهت کاهش اختلاف بین وضع موجود فعلی و وضع مطلوب آینده اطلاق کرد (فهیمی، ۱۳۸۳: ۴۳) همچنین نیازهای زیستی شامل نیازهای حقیقتی میان آنچه که هست و آنچه که باید باشد.

۱-۳-۲- در میثاق‌های بین‌المللی

در بخش سوم ماده ۶ میثاق بین‌المللی **حقوق مدنی و سیاسی** ماده ۱ تا ۲۷ به جستجو درباره‌ی نیازهای اساسی و حقوق بشر اشاره شده به عبارت دیگر در این میثاق از نیازهای زیستی انسانی به صورت کامل تعریفی ارائه نشده بلکه آن را در موادی جداگانه شامل نیاز و حق زندگی انسانی و هر آنچه که برای زیستن انسان مورد نیاز هست آورده شده. مثلاً: در ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق بشر اشاره گردیده که؛ هیچ فردی را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه یا مجازات‌ها یا رفتاری‌های ظالمانه یا خلاف انسانی یا ترضیلی قرار داد. مخصوصاً قرار دادن یک شخص تحت آزمایش‌های پزشکی یا علمی بدون رضایت آزادانه او ممنوع است. موضوع ماده ۶ میثاق بین‌المللی با عنوان حق زندگی از حقوق ذاتی شخص انسان است در موادی جداگانه آورده است؛ این حق باید به موجب قانون حمایت شود و هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) از زندگی محروم کرد. و ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد اشاره قرار گرفته است. همچنین به آزادی انسان در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر اشاره شده است.^{۲۱}

۱-۳-۳- واکاوی نیازهای زیستی انسانی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر

حقوق بین‌المللی دوستانه قدیمی‌ترین بخش حقوق انسانی بین‌الملل است، بنابراین پدیدآوری آن به شکل امروزی متأثر از اتفاقات و رخدادهای تاریخی است. در پی بوجود آمدن جوامع نخستین و پدید آمدن ارتباطات دوستانه بین آنها، دشمنی نیز به دلیل نابرابری نژادی و بی‌عدالتی و آزادی خواهی جوامع موجودیت پیدا کرد. باید اقرار کرد که حقوق انسانی دوستانه بخشی از حقوق بین‌المللی می‌باشد که غایت آن که در قالب قراردادهای و مدارک بین‌المللی وجود دارد، حمایت از زندگی، بهداشت و کرامت انسانی در زمان صلح و آسایش و یا در زمان دشمنی میان کشورها می‌باشد.

اعلامیه اطلاعیه جهانی حقوق بشر که در ۱۶ فوریه ۱۹۴۶ میلادی، طی اولین نشست شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد در شهر لندن برپا شد. هدف مشترکی برای همه کشورها بوده که مطابق آن تمام انسان‌ها بدون توجه به نژاد، جنسیت، زبان، دین، تفکر سیاسی و غیره از تمام آزادی‌ها برخوردار بوده و توسط آن به حقوق همدیگر احترام گذاشته می‌شود. کنوانسیون حقوق بشر در این مجمع با صادر کردن قطعنامه‌ای، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد را پایه‌گذاری کرد. براساس همین دستورالعمل این کمیسیون مسئول ارائه پیشنهادهای و گزارشات مرتبط با قطعنامه جهانی در ارتباط با آزادی‌های مدنی، موقعیت زنان، آزادی بیان و حمایت از اقلیت‌ها و منع نژادپرستی بر اساس جنسیت، نژاد، زبان و دین به دبیر شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد شد که بر همین مبنا در می‌سال ۱۹۴۶ میلادی این کمیسیون متشکل از ۱۸ کشور تأسیس و با تشکیل بخش حقوق بشر در دبیرخانه سازمان ملل متحد، تحرکات خود را برای بدست آوردن اسناد و مدارک بین‌المللی یا قوانین داخلی کشورها شروع کرد.^{۲۲}

بعد از بدست آوردن **اعلامیه جهانی حقوق بشر** در نشست تاریخی، ۱۰ دسامبر سال ۱۹۴۸ میلادی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در شهر پاریس با ۴۸ رأی موافق و ۸ رأی ممتنع و بدون رأی مخالف این اطلاعیه را تصویب و تا به حال هم به عنوان روز جهانی حقوق بشر نام‌گذاری شد که شوروی، جمهوری سوسیالیستی شوروی اوکراین، جمهوری

²⁰. Atkinson et al

۲۱. گاستون استفانی، ژرژ لواسوار و برنار بولک، *حقوق جزای عمومی*، ترجمه حسن دادبان (تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۵)، ۲۷.

۲۲. نسربین مصفا و منور میرازی، *کتابشناسی مطالعات و پژوهش‌های حقوق بشر در ایران* (تهران: گنج دانش، ۱۳۹۷)، ۱۶۱.

سوسیالیستی بلاروس شوروی، جمهوری فدرال سوسیالیستی یوگسلاوی، جمهوری خلق لهستان، چکسلواکی، عربستان سعودی و اتحادیه آفریقای جنوبی جزو هشت کشوری بودند که رأی ممتنع دادند.

این اعلامیه، دارای یک مقدمه و بیش از ۳۰ ماده است که در ماده اول آن به برابری انسان‌ها و احترام به حقوق برادری و برابری در بین آنها مطرح شده و آمده است: «که همه انسانها آزاد متولد می‌شوند و از لحاظ جانب کرامت و تمامی حقوق مانند هم و یکسان هستند. همه آنها دارای عقل و شعور و وجدان می‌باشند و باید با همدیگر با نگرش برادرانه تعامل داشته باشند و بر همین اساس تا ماده ۳۰ که در آن آمده است: «هیچکدام از قوانین اطلاعیه موجود نباید چنان تفسیر و تشریح شود که برای هیچ کدام از دولت‌ها، جامعه‌ای یا فردی تضمین کننده حقی باشد که بر اساس آن برای از بین بردن حقوق و آزادی‌های درج شده در این اطلاعیه اقدامی انجام دهد یا به کاری دست بزند»

"حقوق بشردوستانه" و "حقوق بشر" هر دوی آنها در پی حمایت از شخص می‌باشند. حقوق بشردوستانه در زمان اقدامات مسلحانه پیاده سازی می‌شود، این در حالی است که حقوق بشر در تمام احوال از جمله جنگ و صلح از فرد حمایت می‌کند.^{۲۳}

آنچه در متن اعلامیه بین‌المللی حقوق بشر در ارتباط با حمایت‌های همه جانبه قید شده عبارت است از:

- آزادی فرد از قید بردگی و بندگی.
- منع شکنجه تمام اشخاص بدون توجه به نژاد آنها.
- برخورداری از امتیازی همچون پناهندگی.
- حمایت از تمام فرزندان انسان‌ها.
- برقراری آرامش و ایجاد آسایش.
- عدم پیدایش نگاه نابرابری از هر نوع و حیث در میان انسان‌ها.
- حقوق داشتن زندگی، رفاه اجتماعی و امنیت فردی.
- حقوق دسترسی به دادخواهی و برابری در ارتباط با حق طلبی.
- منع بازداشت، اسارت یا تبعید خودسرانه واقع شود.
- حقوق داشتن یک زندگی در هر مکان از جهان (داخل و خارج از مرزها).
- عدم هر گونه دخالت در زندگی خصوصی افراد و خانواده‌ها.
- برخورداری از آموزش و پرورش مناسب.
- داشتن حق انتخاب آزادانه همسر.
- برخورداری از استراحت و آسایش در اوقات فراغت.
- داشتن حق برخورداری از مالکیت.
- داشتن حق آزادی اندیشه و آزادی بیان.
- عدم اجبار در انتخاب و دسترسی به منابع عمومی.
- برخورداری از امنیت شغلی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، رفاهی.
- برخورداری از زندگی با استانداردهای قابل قبول جهت.
- تأمین و تهیه سلامتی و رفاه اجتماعی خود و خانواده.
- داشتن حق برخورداری از آزادی عقیده و مذهب.
- برخورداری از نگهداری منافع مادی و معنوی بدست آمده از نوآوریهای علمی، ادبی یا هنری.^{۲۴}

۲۳. نژندی منش، پیشین، ۲۹۰.

۲۴. حسین مهرپور، حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۸)، ۱۹۰.

موارد ذکر شده بالا در زمینه مواد ۱ تا ۳۰ کنوانسیون حقوق بشر می‌باشند و علاوه بر موارد بالا کنوانسیون‌هایی که مرتبط با موضوع نیازهای نخست انسان برای زندگی سالم مانند حقوق بشر در نظر است شامل؛

- کنوانسیون حمایت از حقوق زنان

- کنوانسیون حق به شهر

- کنوانسیون حمایت از کودکان

- کنوانسیون حقوق افراد معلول

- کنوانسیون حمایت از پناهندگان و پناه جویان برای زندگی در منطقه جغرافیایی مورد نظر برای پناهندگی

اگرچه اطلاعیه جهانی حقوق بشر، بصورت مستقیم مرتبط با پناهندگان تصویب نشده است، اما در این میان ضامن حقوقی است که برای تمام انسانها بدون در نظر گرفتن تابعیت و تعلق آنها به کشوری مشخص تهیه و نگراش شده است همانطور که پیش نویس آن نشان دهنده این ادعا می‌باشد.^{۲۵}

بر همین اساس توضیحات ابتدایی ترین حقوق پیش بینی شده در **اعلامیه** در ارتباط با نیازمندیهای زندگی انسانی

همچون حقوق بشر بدون در نظر گرفتن وضعیت تابعیتی فرد را در موارد پایین می توان بیان کرد؛

برخورداری از زندگی و امنیت شخصی، منع بردگی و داد و ستد بردگان در هر مقیاس و به هر نوع، برخوردار بودن از رفتار مناسب با شاخصه های مدنی و بشری و منع شکنجه افراد، حق داشتن شخصیت حقوقی به قالب یک انسان متمدن در مقابل قانون، حق برخورداری از عدم تبعیض و نابرابری تحت حمایت قانون، حق مراجعه به دادرهای ملی قابل قبول برای بازپس گیری حقوق خود، حق داشتن استقلال و آزادی در زندگی خصوصی و امور خانوادگی در مقابل مداخله های خودسرانه، برخورداری از حق رفت و آمد آزادانه و خروج از کشور، حق داشتن اختیار پناهندگی در تمام کشورها هنگام تعقیب ، شکنجه و آزار، برخورداری از داشتن تابعیت هر کشور، دلستن حق تشکیل خانواده، داشتن حق مالکیت، داشتن حق انتخاب مذهب و تغییر آن و انجام مراسم آن، برخورداری از انتخاب عقیده و بیان آن ، داشتن حق شرکت در همایش های مسالمت آمیز، حق برخورداری از امنیت اجتماعی، داشتن حق انتخاب حرفه و شغل، داشتن حق تهیه و تامین مایحتاجات اجتماعی، داشتن حق بهره مندی از آموزش و پرورش و شرکت در فعالیت های فرهنگی و هنری برخی از حقوقی که به شکل جهانی اساسی به شمار می آیند و در سازمان ملل متحد **اعلامیه** جهانی حقوق بشر، قرارداد بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد، و یا قرارداد بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد وضع شده اند، عبارتند از:

- داشتن حق انتخاب دین و مذهب.

- داشتن حق برخورداری از رسیدگی قضایی عادلانه.

- داشتن حق تعیین سرنوشت.

- داشتن حق آزادی اندیشه و آزادی بیان داشتن حق آزادی و استقلال اجتماعی.

- داشتن حق آزادی رفت و آمد.

- داشتن حق آزادی انجمن^{۲۶}.

- حقوق نخستین مدنی و سیاسی بشر

۲۵. علی باقری، «اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه حقوق بشر اسلامی تضادها و اشتراکات» (پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۸)، ۹۱.

۲۶. مهرپور، پیشین، ۱۲۲.

قرارداد بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) که گاهاً از آن تحت عنوان «قرارداد حقوق مدنی و سیاسی» یا با نشان‌های اختصاری ICCPR یا CCPR نیز در نگارشات نام برده می‌شود در دسته مهم‌ترین اسناد و مدارک بین‌المللی بر حمایت از حقوق بشر و آزادیهای کامل آن تأکید کرده است که بیانگر حقوق شناخته شده به نسل اول حقوق بشر می‌باشند. طرز تدوین ICCPR در جایگاهی از برهه زمانی و روند تغییر آن مانند روندی است که در به رسمیت شناختن حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیان شده است.

متن قطعنامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) از یک پیش‌نویس و ۵۳ ماده در قالب شش بخش تهیه و تدوین شده است. در مقدمه این قطعنامه مانند قطعنامه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با به رسمیت شناختن حقوق وضع شده در اطلاعیه جهانی حقوق بشر و تأکید بر کرامت ذاتی و حقوق برابر و غیر قابل انتقال تمام اعضای خانواده بشری تأکید کرده است به نحو قطعنامه‌ی موجود در مفاد منشور سازمان ملل متحد قرار گیرد به طوری که مفاد آن را به عنوان بخشی از تعریف تعهدات و وظایف برخاسته از منشور بیان شود.

بخش اول مقررات قطعنامه به تنهایی دارای یک ماده می‌باشد که در آن حقوق تعیین سرنوشت به رسمیت شناخته شده و با توجه به آن همه ملتها حق تعیین موقعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را به صورت آزادانه و خودمختار دارا می‌باشند.

در بخش دوم قوانین قطعنامه موارد دوم تا پنجم جای گرفته‌اند که دارای قوانین و قواعد کلی و عمومی می‌باشند که در ارتباط با کل مقررات ثبت شده در قطعنامه تأکید کرده است و به نوعی با آنها مرتبط باشد. در این قسمت بند ۱ در ماده ۲ بر تعهد و وظایف دولت‌ها به پیاده‌سازی حقوق درج شده در قطعنامه بدون هر گونه تبعیض بر همه افراد مقیم در قلمرو تحت حاکمیت دولت‌ها تأکید کرده است و همچنین در بند ۲ و ۳ ماده مذکور نیز تأکید بر ایجاد تدابیر قانون‌گذاری و غیر از آن برای متضمن شدن حقوق و آزادی‌های به رسمیت شناخته شده در قطعنامه و همچنین دفاع از حقوق افراد بوده است. در ماده ۳ بر حقوق مساوی برای زن و مرد تأکید شده است و در ماده ۴ نیز حق بازدارندگی (یا انحراف) دولت‌ها از برخی از حقوق درج شده در قطعنامه در حالتی که خطر عمومی و موقعیت جامعه‌ای را تهدید خواهد کرد به رسمیت می‌شناسد و البته به مواردی که بعضی از حقوق و آزادی‌هایی که بازدارندگی لازم را ندارند نیز اشاره شده است، موردی که در قطعنامه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ذکر نشده است. ماده ۵ قطعنامه هم مرتبط با نکاتی در مورد تغییر قوانین یاد شده در قطعنامه می‌شود.^{۲۷}

بخش سوم مقررات قطعنامه که دارای موارد ششم تا بیست و هفتم می‌باشد مهم‌ترین بخش قطعنامه است که دارای نکاتی در باب حقوق ذاتی اشخاص می‌باشد. این حقوق ذاتی با بیان ابتدایی‌ترین حق انسان‌ها که همان حق زندگی است در ماده ۶ شروع می‌شود و پس از آن در ادامه در ماده ۷ حق آزادی از شکنجه رفتارها و عواقب ظالمانه، غیرانسانی و تحقیر آمیز، حق آزادی از قید و بند بردگی، و کار اجباری یا قهری در ماده ۸، حق آزادی از در برابر اسارت یا بازداشت خودسرانه در ماده ۹، حقوق مرتبط با کسانی که از دسترسی به آزادی ندارند در ماده ۱۰، جلوگیری از زندانی کردن افراد به دلیل اجرا نکردن تعهدات قراردادی در ماده ۱۱، داشتن حق رفت و آمد آزادانه و انتخاب آزادانه منطقه جغرافیایی محل زندگی در ماده ۱۲، جلوگیری از جبر در بیرون راندن بیگانه‌گان در ماده ۱۳، برخورداری از دسترسی به دادخواهی مطلوب و عادلانه در ماده ۱۴، جلوگیری از اقدامات پیشگیرانه قوانین در ماده ۱۵، برخورداری از به رسمیت شناختن تمام حقوق افراد در ماده ۱۶، داشتن حق خلوت یا حریم خصوصی در ماده ۱۷، داشتن حق آزادی اندیشه، وجدان، دین و عقیده در ماده ۱۸، داشتن حق آزادی بیان در ماده ۱۹، جلوگیری از تبلیغ و دعوت در جهت جنگ و جدال در ماده ۲۰، برخورداری از گردآوری همایشهای صلح جویانه (مسالمت آمیز) در ماده ۲۱، داشتن حق آزادی اجتماعی و مدنی در ماده ۲۲، داشتن حق تشکیل خانواده به

۲۷. جمشید شریفیان، راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر در سازمان ملل متحد (تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰)، ۱۱۹.

صورت کاملاً آزادانه و بدون هیچ گونه اجبار در ماده ۲۳، اقدامات حقوقی مربوط به کودکان در ماده ۲۴، داشتن حق حضور در مدیریت فعالیت های عمومی در ماده ۲۵، داشتن حق یکسان و قانونی و برخورداری از حمایت های آن به صورت برابر در ماده ۲۶ و در پایان ماده ۲۷ به حقوق و استقلال اقلیت های نژادی، دینی و زبانی در برخورداری از فرهنگ خود و فعالیت مطابق با آن می باشد، این فهرست ذاتی از حقوق و آزادی های درج شده در قطعنامه پایان یافته است. اما بخش چهارم مربوط به قوانین قطعنامه که از ماده ۲۸ تا ۴۵ را دربرمیگیرد و پس از مقررات بخش سوم بزرگترین ترین بخش قطعنامه به حساب می آید که غالباً مقرراتی را درمورد کمیته حقوق بشر و نحوه گردآوری و همچنین پیاده سازی تعهدات و چگونگی پذیرفتن قابلیت آن از جانب دولتها و غیره بیان می نماید که به عنوان سازمان نظارتی اجرای مقررات درج شده در قطعنامه نام برده پیش بینی شده است. بخش پنجم قطعنامه دارای دو ماده ۴۶ و (۴۷) می باشد که باز هم در آنها ماده کلی درباب تفسیر مقررات قطعنامه را متذکر می شود که به آن دو ماده کلی می توان دست پیدا کرد، در ابتدا این که تفسیر مقررات قطعنامه نباید به منشور کشورهای متفق ضرر و زیانی وارد کند و دیگر این که نباید به حقوق کشورها در جذب و استفاده کامل و آزادانه از منابع طبیعی آنها ضرری وارد کند. در بخش پایانی قوانین و قواعد قطعنامه که بخش ششم آن است مقرراتی درباب نحوه تصویب، واجب الاجرا شدن، اصلاح مقررات قطعنامه، نگارشات معتبر در قطعنامه غیره آن اشاره شده است که این بخش دارای موارد ۴۸ تا ۵۳ می باشد.^{۲۸}

در ارتباط مضمون قوانین درج شده در قطعنامه این مورد که قطعنامه تلاش شده تا به نوعی کل حقوق و آزادی های بنیادین انسانها را به رسمیت بشناسد و با توجه به وجود الزام آور این مدارک و محدوده اجرایی آن که در گستره بین المللی می باشد، قدمی بسیار مهم در جهت پیاده سازی و حمایت از حقوق بشر مدرن به حساب می آید که جای هیچ شک و شبهه ای ندارد. اما با وجود این، دو حق مهم که شامل حق تملک و حق پناهندگی می باشد و در اطلاعیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) در موارد ۱۷ و ۱۴ با وضوح به رسمیت شناخته شده بودند در قطعنامه موجود جایگاهی ندارند و بصورت غیر فعال باقی مانده است که البته دلیل عدم نام بردن آن مربوط به تداخل دولت های کمونیستی برمی گردد که آن هم به دلیل مدل ساختاری که دارند در مورد تشریح و قلمرو مالکیت و انواع مختلف پناهندگی با بلوک غرب به توافق مطلوب نرسیدند و در پایان این دو حق غیر دور از دسترس ماندند.

۱-۴- حقوق بنیادی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بشر

حقوق نخستین غالباً به همان ترتیب که در گذشته هم یاد رفت مجموعه حفاظت های حقوقی در اساس یک نظام حقوقی می باشد که این مدل نظامی خود بر اساس همان مجموعه حق حقوق طبیعی یا اساسی، اولیه، بدون اشکال است. هم عهد بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و هم حقوق بنیادی فرهنگی اقتصادی، اجتماعی و انسان حاوی حقوق مهم آدمی است و قواعد و صورت بندی آن، همان است که در اعلامیه جهانی بیان شده است.

(سیدفاطمی، سید محمد قاری، حقوق پناهندگان در فقه و حقوق اسلامی، نامه مفید، شماره اول ص ۱۷۵)

به همین صورت این حقوقی بدون ملاحظه یا هزینه ای متعلق به همه انسان تحت چنان حوزه قضایی می باشد. فقط میثاقها آن را با وضوح بالاتر و دقیق تر مورد تحلیل می گذارند و در بعضی موارد نیز دگرگونی های عام در آن انجام داده اند با این ویژگی که در میثاقها رعایت حقوق مندرج در آنها، برای دولت ها یک تکلیف حقوقی محسوب می شود؛ در صورتی که اعلامیه جهانی آن را یک تکلیف اخلاقی و معنوی تلقی می کند.^{۲۹}

بنابراین می توان گفت: «از نگاه سازمان ملل متحد، قانون و عادت و سنن جوامع گوناگون، حقوق انسانها محترم بوده و قادر نیستیم به بهانه این که در حقوق بین الملل به صورت مجزا به آنها اشاره نشده است یا کم شده است، آنها را نادیده

۲۸. مهرپور، پیشین، ۵۵.

۲۹. منوچهر طباطبایی مومنی، آزادی های عمومی و حقوق بشر (تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵)، ۲۳۳.

گرفت و به حساب نیابرد میثاق حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی نیز کلیه اعضای خانواده بشری را اساس عدالت و صلح در جهان از حیثیت برابری برخوردار می‌داند؛ و اصرار دارد «این حقوق ناشی از حیثیت ذاتی شخص انسان است»^{۳۰}

میثاق بین‌المللی که ۱۷۱ کشور هم‌اکنون عضو آن هستند حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در ۱۹۷۶ (میلادی) با تأمین ماده ۲۷ آن به درجه اجرا رسید، حقوق بشری که این میثاق تلاش می‌کند ترویج و حمایت کند شامل:

۱- حق برخورداری از حمایت اجتماعی، معیار زندگی رضایت بخش و عالی‌ترین معیارهای قابل حصول رفاه جسمی و روانی.

۲- حق کار کردن در شرایط عادلانه و مناسب.

۳- حق آموزش و پرورش، برخورداری از مزایای آزادی فرهنگی و پیشرفت علمی.^{۳۱}

۱-۴-۱- اسناد بین‌المللی حقوق بشر در راستای نیازهای زیستی انسان

آنچه در اسناد بین‌المللی حقوق بشر در راستای نیازهای زیستی انسان مورد توجه قرار گرفته در برگیرنده موارد زیر است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود:

۱-۴-۱-۱- میثاق بین‌المللی کرامت انسان

آغاز مشترک میثاق بین‌المللی سیاسی و حقوق مدنی (۱۹۷۶م) و پیمان بین‌المللی حقوق اجتماعی و اقتصادی، فرهنگی (۱۹۷۶م) بر «کرامت ذاتی تمام اعضای خانواده بشری» تأکید و تصریح می‌کند: «این حقوق از کرامت درونی ایجاد شده بشری منبعث می‌شود». این بیان در اعلامیه کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر وین (۱۹۹۳م) نیز تکرار شده و آمده است: «همه‌ی حقوق بشر از کرامت و ارزش انسانی فرد انسانی گرفته شده‌اند».

۱-۴-۱-۲- میثاق بین‌المللی نیازهای بنیادین

ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب سال ۱۹۶۶ میلادی و تبادل آن با بند یک ماده ۲ همان سند را به طور خاص می‌شود از نمونه بارز آن نشان داد.

۱-۴-۱-۳- میثاق بین‌المللی حق حیات

میثاق بین‌المللی حق حیات موضوع ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بوده و حق حیات را برای تمام انسان‌ها به رسمیت می‌شناسد. ماده ۶ میثاق این حق را برای همه‌ی اشخاص، بدون هیچ تفاوتی، تأیید کرده است، حتی برای افرادی که به جرایم بسیار سنگینی متهم‌اند و یا به جرم ارتکاب این جرایم محکوم شده‌اند. دولت‌ها باید حق حیات را محترم شمارند و با وضع قوانین یا از دیگر راه‌ها آن را تضمین کنند و امکان دادرسی و جبران خسارت برای کلیه قربانیان نقض حق حیات فراهم سازند. این در واقع بنیاد این ضرورت است که در بند ۱ ماده ۶ میثاق آمده است که هیچ‌کسی را نمی‌توان خودسرانه از زیست محروم کرد و قانون باید حراست از حق زندگی باشد.^{۳۲}

۱-۴-۱-۴- آزادی از شکنجه و رفتار یا مجازات بی‌رحمانه، غیر انسانی یا تحقیر آمیز

وظائف مربوط به منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیر آمیز که در بند ۱ ماده ۱۶ گنجانده شده است در ماده ۱۶ که ابزارهای پیشگیری از بدرفتاری را مشخص می‌سازد، «به ویژه» بر روی اقداماتی که در مواد ۱۰ تا ۱۳ تعیین گردیده، تأکید می‌نماید.

۳۰. ترجمه فارسی اعلامیه اسلامی حقوق بشر. نشریه دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، شماره ۲۷

۳۱. مهرپور، پیشین، ۱۱۹.

۳۲. مهرداد بروجردی، «بررسی حق آزادی بیان در دیدگاه اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر» (پایان نامه کارشناسی ارشد، قشم: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌المللی قشم ۱۳۹۳)، ۸۲.

بند ۱ ماده ۲ لازم می‌داند که هر یک از کشورهای عضو برای جلوگیری از شکنجه، نه تنها لازم است در قلمرو حاکمیت خود، بلکه «در هر منطقه‌ای که در قلمرو صلاحیت قضایی این کشور قرار دارد» هم اقدامات قابل قبول تری را به کار گیرد. آوردن عبارت «هر منطقه‌ای که در قلمرو کشور باشد» در ماده ۲، مانند مواد ۵، ۱۱، ۱۲، ۱۳، و ۱۶، به مواردی اشاره دارد که اعمال مجرمانه نه فقط در یک کشتی یا هواپیمای به ثبت در آمده بلکه در کشور عضو، مرتکب شده است، بلکه در طی عملیات پاسداری یا اشغال نظامی از صلح و نیز در مکان‌هایی مثل پایگاه‌های نظامی، سفارتخانه‌ها و یا سایر مناطقی که دولت ذکر شده چه به صورت قانونی و چه در قالب عمل بر روی آن کنترل و نظارت دقیق دارد.

۱-۴-۱-۵- آزادی از دستگیری یا بازداشت خودسرانه

در نظام بین‌المللی حقوق بشر با وجود آنکه، «حق آزادی و امنیت شخصی اشخاص» از جمله نیازهای انسانی به حساب می‌رود اما این حقوق در مدارک مهمی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) تأیید و تثبیت شده‌اند، اما حقوق نامبرده، آزادی کامل اشخاص در برابر دستگیری و بازداشت را ضمانت نمی‌نمایند.

۱-۴-۱-۶- حق دادرسی منصفانه

یکی دیگر از نیازهای انسانی برای زیستن حق برخورداری از دادرسی منصفانه است که در بردارنده مجموعه‌ای از اصول و قواعدی می‌باشد که جهت رعایت حقوق طرفین در رسیدگی به دعوی آنان در نظر گرفته شده است. این تضمینات که در مکاتبات بین‌المللی حقوق بشر، مثل اعلامیه جهانی حقوق بشر مواد (۸-۱۱)، میثاق مربوط به سیاسی مواد و حقوق مدنی (۱۵ و ۱۶)، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (ماده ۶)، کنوانسیون امریکایی حقوق بشر (مواد ۸ و ۹) به عنوان یکی از حقوق شناخته شده بشر مورد اشاره قرار گرفته است. (صالحی و دهقان، ۱۳۹۴: ۱۱۹)

در بحث حقوق داخلی کشورها بخصوص جمهوری اسلامی ایران قوه قضائیه پررنگ ترین نقش را در حمایت از داشتن حق دادرسی منصفانه حقوق شهروندی ایفا میکند. بنابراین اصلاح و ارتقای این نهاد، گامی مؤثر در پیشبرد حقوق بشر و حق دادرسی منصفانه خواهد داشت اصلاحات دستگاه قضایی در صورتی کارآمد خواهد بود که استانداردهای جهانی و حساسیت‌های محلی را هم زمان در نظر بگیرد؛ در غیر این صورت، حق دادرسی منصفانه که یکی از مهمترین چالش‌ها به شمار می‌رود با مسایل عدیده‌ای روبرو خواهد شد. به زمامداری الگویی جهانی با قابلیت بومی سازی است و توجه بیش از پیش به استانداردهای بین‌المللی براساس میثاق و اسناد بین‌المللی است.

۱-۴-۱-۷- آزادی از تبعیض

داشتن حق آزادی در برابر تبعیض و نابرابری درگستره‌ی بین‌المللی تحت عنوان یک حق انسانی شناخته می‌شود و دربرگیرنده اصل برابری است. برخورداری از حق آزادی در برابر تبعیض در اطلاعیه‌ی جهانی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است و در پیمان بین‌المللی حقوق بشر با افزودن آن در مفاد قطعنامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و همچنین قطعنامه بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به تصویب رسیده است.^{۳۳}

داشتن حق آزادی از تبعیض به خصوص برای جوامعی که به لحاظ پیشینه‌ی تاریخی مورد تبعیض قرار گرفته بوده‌اند و همچنین اقلیت‌های «آسیب‌پذیر» بسیار حائز اهمیت است. به همین جهت به داشتن حق آزادی از تبعیض در کنوانسیون بین‌المللی برداشتن انواع تبعیض نژادی، کنوانسیون برداشتن انواع تبعیض علیه زنان و کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت توجه خاص شده است.

ماده ۱ UDHR بیانگر:

۳۳. اسداله یآوری، «حق برخورداری از دادرسی منصفانه و آیین دادرسی نوین»، فصلنامه حقوق اساسی ۲ (۱۳۸۳): ۲۵۵.

تمام انسان‌ها آزاد و به لحاظ کرامت و حقوق یکسان پا به جهان میگذارند. آنها دارای عقل و شعور و وجدان می‌باشند و باید با ذهنیت برادری نسبت به یکدیگر عکس العمل نشان دهند.
ماده ۲ UDHR بیانگر:

تمام انسانها از همه حقوق و آزادی‌های درج شده در این اعلامیه، بدون هیچ گونه تبعیض، مانند نژاد، رنگ، جنس، گویش، دین، عقاید سیاسی یا هر گونه عقاید دیگر، محل تولد، ملیت یا موقعیت اجتماعی، تملک، تولد یا موقعیت‌های دیگر بهره‌مند می‌شوند. مضاف بر آن، هیچ تفکیکی طبق موقعیت سیاسی، قضایی یا بین‌المللی کشور یا سرزمینی که یک فرد به آنجا تعلق دارد، از جمله استقلال، اعتماد، غیر خودگردان یا زیر نظر هر بستر دیگری در حاکمیت، مورد پذیرش نمی‌باشد.^{۳۴}

۱-۴-۱-۸- حق برابری حمایت قانونی

یکی دیگر از ضروریات بنیادین انسان‌ها مساوات در برابر قانون یا "مساوات قانونی" اصلی می‌باشد که طبق آن تمام مردم پیرو قوانین برابر می‌باشند.

اصل ۷ اطلاعیه جهانی حقوق بشر بیانگر آن است که همگان در برابر قانون یکسان هستند و حق دارند بدون هر گونه تبعیضی از حمایت یکسان قانون بهره‌مند باشند.

هدف ماده ۷ قطعنامه بین‌المللی حقوق اجتماعی و سیاسی، حمایت از جایگاه انسان و سلامت جسمی و روحی فرد است.

ماده ۷ هیچ محدودیتی نمی‌پذیرد. کمیته تأکید بر آن دارد که حتی در مواقع خاصی که خطری معین امنیت همگانی را مورد تهدید قرار میدهد، یعنی شرایطی که در ماده ۴ قطعنامه پیش‌بینی شده، تعیین هرگونه محدودیت و شرط بر مقررات ماده ۷ قابل قبول نمی‌باشد و این مقررات باید طبق قانون تصویب شده پیاده‌سازی شوند. مضاف بر آن، کمیته بیان میدارد که هیچ دلیلی را از قبیل دستور مقام بالاتر یا مقامی دولتی، نمی‌توان برای توجیه نقض ماده ۷ یا به عنوان شرایط کاهنده [برای مجرمان آن] بیان کرد.

۱-۴-۱-۹- آزادی از مداخله خودسرانه در حریم خصوصی، خانواده، مسکن

مهمترین سند بین‌المللی در خصوص مصونیت اماکن خصوصی در اعلامیه جهانی حقوق بشر مشمول مواد ۳ و ۲ به حرمت مسکن است که به آن اشاره شده است.

بند ۱ ماده ۲۵ اعلامیه با صراحتاً به تأکید و حمایت از این حق پرداخته است، هر کس حق دارد، در برابر اینگونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد. در ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: احدی در زندگی خصوصی، امورخانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله خودسرانه واقع شود و به شرافت و اسم و رسمش مورد حمله قرار گیرد.

۱-۴-۱-۱۰- آزادی انجمن، بیان، گردهمایی و رفت و آمد

ایجاد مزاحمت، تهدید و ارباب، یا بدنام کردن شخص، از جمله دستگیری، بازداشت، محاکمه یا زندانی به دلیل اعتقادات شخصی افراد، نقض بند ۱ ماده ۱۹ محسوب می‌شود.

اعمال حقوق ارائه شده در بند ۲ این ماده که همراه با وظایف ویژه و مسئولیت‌ها می‌باشد، ممکن است که تابع محدودیت‌های معینی قرار گیرد.

این (محدودیتها)، فقط باید بنا به ضرورت‌های ذیل و به وسیله قانون انجام گیرد:

الف) برای احترام حقوق یا حیثیت دیگران

۳۴. آرش دولتشاهی، «حمایت کیفری از حقوق شهروندی در ایران، کانادا و اسناد بین‌المللی» (پایاننامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۱)، ۳۹۴.

(ب) حفظ امنیت ملی یا نظم و سلامت و اخلاق عمومی^{۳۵}

ماده ۱۰ کنوانسیون حقوق بشر اروپا هم با لحنی مشابه آنچه در ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق بشر به کار گرفته شده، می‌گوید:

۱- هرکس از حق آزادی گفتار برخوردار است. این حق باید شامل آزادی داشتن عقاید و دریافت و بیان اطلاعات و افکار بدون دخالت مقامات دولتی و بدون در نظر گرفتن مرزبندی‌های اقلیمی و جغرافیایی باشد. این ماده، نباید مانع از مطالبه‌ی دولت‌ها برای دریافت مجوز پخش برنامه توسط سازمان‌های تلویزیونی یا سینمایی شود.

۲- اعمال این آزادی‌ها، از آنجا که با خود وظایف و مسئولیت‌هایی را به همراه دارند، ممکن است نیازمند تشریفات، شرایط، محدودیت‌ها یا مجازات‌هایی باشند که توسط قانون مقرر شده و در یک جامعه مردم‌سالار به منظور حفظ امنیت ملی، تمامیت ارضی یا ایمنی عمومی جهت ممانعت از ایجاد هرج و مرج یا ارتکاب جرایم، محافظت از سلامت و اخلاقیات مردم، حمایت از آبرو یا حقوق دیگران، جلوگیری از افشای اطلاعات محرمانه یا حفظ اقتدار و بی‌طرفی دستگاه قضاوت لازم و ضروری هستند.^{۳۶}

۱-۴-۱-۱۱- حق درخواست و بهره‌مندی از پناهندگی

از جمله مهمترین تلاشی را که جهت حمایت از حقوق پناهندگان در سطح بین‌المللی صورت پذیرفته می‌توان از تصویب «کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان (۱۹۵۱)» (به اختصار کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو) و «پروتکل مربوط به وضعیت پناهندگان (۱۹۶۷)» نام برد. این دو معاهده الزام آور به طور خاص به مسأله‌ی پناهندگی و حقوق پناهندگان پرداخته‌اند که در تعریف پناهنده به آن دو اشاره شد.

علاوه بر این قطعنامه‌های متعددی از جانب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ارتباط با حق پناهندگی و حقوق و مسایل پناهندگان نواحی و مناطق مختلف به تصویب رسیده است.

در خصوص رفاه و آسایش پناهندگان نیز آن‌ها باید از سیستم جیره بندی (ماده ۲۰)، مسکن (ماده ۲۱)، آموزش‌های عمومی (ماده ۲۲)، امور خیریه (ماده ۲۳) و... متناسب با وضعیت اتباع دولت‌های متعاقد بهره‌مند شوند. علاوه بر موارد مذکور، پناهندگان از مزایای مربوط به قوانین کار و بیمه اجتماعی (ماده ۲۴)، مساعدت‌های اداری (ماده ۲۵)، آزادی‌های رفت و آمد (ماده ۲۶)، اوراق هویتی (ماده ۲۷)، اسناد مسافرتی (ماده ۲۸)، انتقال دارایی (ماده ۳۰)، منع اخراج یا بازگرداندن (ماده ۳۳)، کسب تابعیت (ماده ۳۴) و... نیز مطابق مقررات کنوانسیون بهره‌مند خواهند شد.

۱-۴-۱-۱۲- آزادی فکر، وجدان و دین

آزادی بیان مصداق ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق بشر می‌باشد که عبارت است از اینکه «هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و اخذ و انتشار آن با تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد».

درواقع بر اساس ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق بشر هر آنچه ملاک قانونی بودن آزادی بیان است عبارت است از: -آزادی فکر وجدان و مذهب یا معتقدات، آزادی در انتخاب دین و مذهب و اعتقاد. بند دوم ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، یکی از محدودیت‌های آزادی بیان را حمایت و حفظ نظم عمومی و اخلاق عمومی می‌داند که دولت‌ها می‌توانند برای حفظ این دو امر، آزادی بیان را محدود نمایند. نکته‌ی دیگر اینکه طبق مقررات میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، تعریف ملی از نظم و اخلاق عمومی تا جایی معتبر است که با تعریف مقررات بین‌المللی مطابقت داشته باشد. در

۳۴. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۹/۳، ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶، چکیده گزارش صص ۲۳-۱۰۲ [S. Exec. Rep. ۱۰۲-۲۳]، معاهدات سازمان ملل، شماره ۹۹۹، بخش ۱۷۱ [۱۷۱U.N.T.S. ۹۹۹]، قابل دسترسی در

<http://www.ohchr.org/en/professionalinterest/pages/ccpr.aspx>

۳۶. «کنوانسیون حقوق بشر اروپا»، معاهدات اروپا، ماده ۱۰ (۱۴ نوامبر ۱۹۵۰)، http://www.echr.coe.int/Documents/Convention_ENG.pdf.

ملاحظات کلی کمیته ی حقوق بشر نیز بر این نکته تأکید شده است که لزوم اعمال محدودیت بر آزادی بیان برای حفظ و رعایت نظم و اخلاق عمومی نباید تا بدان جا پیش رود که خود حق را زیر سؤال ببرد.^{۳۷}

۱-۴-۱-۱۳- حق رأی و مشارکت در حکومت

حق مشارکت در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اثرگذار بوده و شامل: مشارکت و نظارت در فرآیند انتخابات، برخورداری از امکانات و امتیازات دولتی (از جمله یارانه، تبلیغات رادیویی، تلویزیونی و مانند این‌ها)، بهره‌مندی از کمک‌های مردمی و سایر روش‌های تأمین هزینه‌های انتخاباتی، شکایت و اعتراض به تخلفات انتخاباتی نزد مقامات صلاحیت‌دار، می باشد. در این امر آنچه مهم به نظر می رسد موضوع ماده ۱۸ همین قانون است که به فعالیت صدا و سیما در امر حقوق شهروندان اشاره دارد و مقرر می‌دارد: صداوسیما و همه رسانه‌هایی که از بودجه یا اموال عمومی استفاده می‌کنند، باید بی‌طرفی کامل را در مراحل مختلف انتخابات رعایت کنند تا شائبه حمایت از نامزد یا نامزدهای خاص به وجود نیاید^{۳۸}

۱-۴-۱-۱۴- حق شرایط کار مطلوب و عادلانه

بیکاری یکی دیگر از مسائل مهم و چالش زا در جهان است و دلیل اصلی آن وجود تبعیض در بین طبقات مختلف است و لذا این حق باید آزادانه و بدون تبعیض و با رعایت قانون، ایجاد شده و هیچ کس نمی‌تواند به دلایل قومیتی، مذهبی، جنسیتی و یا اختلاف نظر در گرایش‌های سیاسی و یا اجتماعی این حق را از شهروندان سلب کند. همه مردم از حق فرصت برابر در دسترسی به مشاغل و انتخاب آزادانه حرفه موردنظر خود طبق موازین قانونی به‌گونه‌ای که قادر به تأمین معاش خود به‌صورت منصفانه و آبرومندانه باشند، برخوردارند. دولت شرایط مناسب را برای تحقق این حق تضمین و بر آن نظارت می‌نماید. (ماده ۷۸ منشور حقوق شهروندی)

۱-۴-۱-۱۵- حق غذای کافی، پناهگاه، پوشاک و امنیت اجتماعی

از جمله ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی: کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را به داشتن سطح زندگی کافی برای خود و خانواده اش شامل خوراک پوشاک و مسکن کافی همچنین بهبود مداوم شرایط زندگی به رسمیت می‌شناسند.^{۳۹}

ماده ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر در همین راستا تدوین گردیده- ماده ی ۲۲: هر انسانی سزاوار یک زندگی با استانداردهای قابل قبول برای تأمین سلامتی و رفاه خود و خانواده اش، من جمله تأمین خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری است.

امنیت غذایی به عنوان یکی از مهمترین ملاک‌ها و معیارهای سنجش رفاه و امنیت و شکوفایی اقتصادی کشورها می‌باشد. تعاریف متعددی از امنیت غذایی به عمل آمده است در مفهوم کلی می‌توان در تعریف امنیت غذایی این گونه بیان نمود: امنیت غذایی در معنای امکان دستیابی افراد به غذای کافی است به طوری که امکان داشتن زندگی سالم فراهم گردد. فراهم نمودن غذای کافی به عنوان یکی از شروط اولیه برای ادامه زندگی و اعتلای هر فرد می‌باشد لذا برقراری امنیت

۳۷. سیدمحمدصادق احمدی و رامین خادم پور، «آزادی بیان و محدودیت های آن در حقوق مطبوعات ایران» (مقاله ارائه شده در نخستین کنگره بین المللی جامع حقوق، مرکز همایشهای توسعه ایران (تهران)، ۱۵ اسفند ۳۹۴).

۳۸. احمد مومنی راد، حسین موسوی فر، «موازین وضع تحریم های شورای امنیت و وضعیت حقوق بشر در قطعنامه های هسته ای علیه جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی ۲ (۱۳۹۱)، ۷۲.

۳۹. احمد مومنی راد، فرهاد باقری، «چالشها و تقابل صالحیت های اتحادیه اروپایی و دولت های عضو در مسایل پلیسی و کیفری مربوط حوزه ی آزادی عدالت و امنیت» مجله مطالعات حقوق عمومی ۳ (۱۳۹۶)، ۵۲.

غذایی از حقوق بنیادین بشری می باشد در راستای تحقق این هدف سند مکتوب حقوق بنیادین بشر قدم به پیش نهاده و در موادی چند از حق تغذیه مطلوب افراد بشری حمایت نموده است.

۱-۴-۱-۱۶- حق سلامتی و برخورداری از مراقبت های بهداشتی

جامعه بین‌المللی در چندین سند، به این حق پرداخته است؛ ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر به حق برخورداری از سطح معیشت کافی برای سلامت و رفاه اشاره و جنبه الزام‌آوری به آن بخشیده است. همچنین ماده‌ی ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی از حق برخورداری از بالاترین استانداردهای قابل‌دستیابی سلامت فیزیکی و روانی یاد کرده و تحقق آن را بر عهده دولت‌ها گذاشته است. علاوه بر این دو سند ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک، ماده ۵ کنوانسیون منع تبعیض نژادی، مواد ۱۱ و ۱۲ کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان در سطح جهانی و ماده ۱۱ منشور اجتماعی اروپایی، ماد ۱۶ منشور حقوق بشر و مردمان آفریقا، ماده ۱۰ پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق بشر آمریکا در زمینه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دیگر اسناد الزام‌آور در سطح منطقه‌ای به شمار می‌آیند.

حق بر سلامتی ارتباط نزدیکی با حیات انسان دارد و باید همواره مورد دغدغه سازمان های بین المللی و دولت ها باشد، بر همین اساس باید در اسناد بین‌المللی مورد توجه ویژه ای قرار گیرد. تحقق عالی‌ترین استاندارد مورد نظر میثاق نیازمند صرف حداکثر منابع در دسترس دولت‌ها و طی زمان است و شاید این را می‌طلبند که در قوانین داخلی آورده شود. تحقق این استاندارد، با توجه به بنیادهای تعیین‌کننده‌ای که برای سلامتی است، چالشی بزرگ برای دولت‌ها به شمار می‌رود. تحقق این بنیادها مقدمه‌ی لازم نیل به استاندارد عالی بهداشت و سلامتی است، اما در وضعیتی که آلودگی‌های زیست محیطی و تخریب روز افزون جنگل‌ها، گرمایش ناشی از حجم انبوه گازهای گلخانه‌ای، بیابان‌زایی، خشک شدن یا آلودگی منابع آب شیرین و... که به نوعی روزشمار مرگ زیست بوم انسان را کلید زده‌اند، در کنار افزایش قحطی و خشکسالی و فقدان امنیت غذایی، باعث گردیده است که سلامتی انسان بیش از پیش در معرض خطر قرار گیرد. در این شرایط شاید صحبت از عالی‌ترین استاندارد سلامتی چندان واقع‌بینانه نباشد. تعهد به همکاری بین‌المللی هم که به عنوان ساز و کاری تکمیلی جهت توانمندسازی و بالا بردن ظرفیت‌های اقتصادی و فنی دولت‌ها در میثاق مطرح گردیده است، بیشتر به یک توصیه می‌ماند تا تعهدی حقوقی، هر چند که در یک سند بین‌المللی الزام‌آور ذکر شده است. مشخص نیست که اگر دولتی با وجود برخورداری از امکانات لازم، نسبت به انجام این تعهد بی‌توجهی نشان دهد، چه مسئولیتی متوجه او خواهد شد. با توجه به این که مسئولیت اولیه‌ی حمایت و اجرای حقوق بشر بر عهده‌ی دولت‌ها است، اگر این دولت به دلیل ناتوانی، از انجام این مسئولیت اولیه عاجز باشد یا با وجود بهره‌مندی از منابع کافی، نسبت به این مسئولیت بی‌تفاوت و بی‌تمایل باشد، آیا امکان مداخله از باب تئوری مسئولیت حمایت وجود دارد؟ به نظر می‌رسد باید این حق، یعنی حق سلامتی باید در قوانین اساسی و همچنین میثاق بین‌المللی با ضمانت اجرایی توأمان باشد و از حالت توصیه فراتر رفته و بری آن مسوولیت در نظر گرفته شود هرچند این تئوری در مورد حمایت از حقوق اساسی شهروندان در برابر جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت، قوم‌زدایی و پاکسازی قومی به کار می‌رود و مسئولیت اولیه‌ی این کار را نیز بر عهده‌ی دولت‌ها می‌داند، لیکن استناد به این تئوری جهت حمایت از حقوق اقتصادی و اجتماعی شهروندان یک کشور با تردید روبه‌رو است. اما نقض «حق بر سلامتی» به جهت پیوند وثیقی که با حیات انسان دارد، اگر آستانه‌ی بالایی از شدت را دارا باشد، شاید بتواند مداخله از باب مسئولیت حمایت را توجیه نماید. با این حال مشکلات راجع به نحوه‌ی انجام مداخله و مقام قانونی برای تجویز آن و دامنه اقدامات و سایر مسائل هنجاری در خصوص این تئوری هم چنان به قوت خود باقیست.

۱-۴-۱-۱۷- حق آموزش

حق برآموزش از جمله حق‌هایی است که کمتر به اهمیت بنیادین آن توجه شده است. اسناد بین‌المللی حقوق بشر این حق را در زمره حقوق فرهنگی بشر برشمرده‌اند و بیشتر حقوق‌دانان نیز با توسل به اصل ظهور این حق را در همین قلمرو دانسته‌اند، غافل از آن که این حق فی‌نفسه در میان سلسله مراتب قواعد حقوق بین‌الملل چه منزلت و مقامی دارد.

۱-۴-۱-۱۸- حق مالکیت

حق مالکیت شخصی شهروندان محترم است. هیچ شخص یا مقامی نمی‌تواند مالکیت دیگری را سلب، یا اموال او را مصادره یا ضبط یا توقیف کند یا نسبت به حقوق مالی یا مالکیت او ممانعت، مزاحمت یا محدودیت ایجاد کند، مگر به موجب قانون.

انواع مالکیت‌های فکری از جمله مالکیت ادبی، هنری و صنعتی با رعایت قانون، محترم و مورد حمایت است و شهروندان حق دارند که در چهارچوب قانون از حمایت‌های لازم برای خلق و عرضه آثار هنری و انتفاع از حقوق مادی و معنوی ناشی از آن‌ها در داخل و خارج از کشور برخوردار شوند.

۱-۴-۱-۱۹- حق مشارکت در زندگی فرهنگی

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأکید دارد که حق مشارکت در زندگی فرهنگی، همچون دیگر حق‌های مندرج در میثاق، سه گونه یا سطح از تعهد را بر کشورهای عضو بار می‌کند:

- تعهد به احترام (خودداری از دخالت مستقیم یا غیرمستقیم در بهره‌مندی از حق مشارکت در زندگی فرهنگی)
- تعهد به حمایت (اتخاذ اقداماتی به منظور جلوگیری از دخالت ثالث در بهره‌مندی از حق مربوطه)
- تعهد به اجرا (اتخاذ اقدامات قضایی، اداری، تقنینی، مالی، ترویجی و دیگر اقدامات مقتضی با هدف شناسایی کامل حق مندرج در ماده ۱۵)

بنابراین موضوع مشارکت در حیات فرهنگی مبحثی چند وجهی است، که بی‌نیاز از سیاستگذاری‌های اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی نخواهد بود، و به استناد کنوانسیون ۱۶۹ یونسکو، دولت‌ها موظفند موانع این عنصر حیاتی توسعه را به ویژه برای حاشیه‌نشینان جامعه مانند روستاییان، فقیران، زنان، بی‌سوادان، اقلیت‌ها و قومیت‌ها، معلولان، بیکاران و مهاجران را برطرف کنند.

۱-۴-۱-۲۰- حق توسعه/ پیشرفت

حق توسعه حقی است که در برخی اسناد بین‌المللی به آن اشاره شده و بسیار مورد بحث واقع شده، با این حال معنای کم‌وبیش مبهمی دارد.

اعلامیه در مورد حق توسعه مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۱۹۸۶) آن را این‌چنین تعریف کرده است: «حق توسعه یکی از حقوق جدایی‌ناپذیر بشری است که از رهگذار آن هر باشنده‌ی انسانی و تمامی مردمان استحقاق آن را دارند که در توسعه‌ای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی که در آن تمامی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین تحقق می‌یابد، مشارکت جسته، سهیم گشته و بهره‌مند گردند. حق توسعه در این معنا در اعلامیه حقوق بشر و دو میثاق بین‌المللی حقوق بشر ریشه دارد. این اعلامیه مشتمل بر یک مقدمه و ده ماده است.

۱-۵-۱- نیازهای زیستی انسانی و بازتاب آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

کشور جمهوری اسلامی ایران از یک طرف حکومت خود را بر مبنای قوانین اسلامی بنا نهاده و از طرف دیگر جزو ملت‌ها و کشورهایی است که از جمله امضاکنندگان اسناد بین‌المللی حقوق بشری است، لازم به توضیح است که دولت

ایران در سال ۱۳۴۷ پیش شرط سیاسی و مدنی حقوق بین‌المللی میثاق را امضا کرده و در سال ۱۳۵۴ به تصویب مجلس رسانده است. بنابراین با توجه به آنکه کشور ایران، عضو این میثاق است، لذا ملزم است مفاد آن را به طور کامل رعایت کند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در بخش مربوط به حقوق ملت، از حق برخورداری از نیازهای اساسی برای زیستن از جمله، حق برخورداری از حریم خصوصی، خانواده، مسکن، کرامت انسانی و ... مورد حمایت و بررسی قرار گرفته است و آن را جزو حقوق اساسی افراد به شمار آورده است و این خود نشان می‌دهد که این حق در قانون ایران دارای ارزش و اعتبار حقوقی است و کسی نمی‌تواند منکر آن شود.

۱-۵-۱- نیازهای زیستی انسان در قوانین جمهوری اسلامی ایران

در ایران نیز مشابه سایر کشورها، جهت برقراری امنیت و جلوگیری از احقاق حقوق شهروندان، قانونگذاران اقدام به وضع مقرراتی در این راستا بر اساس میثاق‌های بین‌المللی نموده‌اند.^{۴۰}

بحث نیازهای اساسی زیستی در قانون اساسی ایران در مواد مختلفی، مستقیم و غیر مستقیم به آن اشاره و حتی حدود برخی از آنها هم به صورت صریح بیان شده است و برای تنظیم روابط مردم و حفظ نظم در اجتماع، حقوق برای هر کس امتیازاتی در برابر دیگران می‌شناسد و توان خاصی به او می‌بخشد. این امتیاز و توانایی را «حق می‌گویند که جمع آن حقوق است و حقوق فردی نیز بدان گفته می‌شود. (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۱۴)

۱-۵-۱-۱- حقوق بنیادی مدنی و سیاسی بشر در قوانین داخلی ایران

در حقوق ایران علاوه بر این که فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (مواد ۱۹ تا ۴۲) مهمترین مصادیق حقوق بشر را به رسمیت شناخته است؛ دولت ایران به اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیوسته و طبق ماده ۹ قانون مدنی، اسناد اخیر در حکم قانون داخلی است.

دولت ایران در تاریخ ۱۳۴۷/۱/۱۵ میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی را امضا و در اردیبهشت ۱۳۵۴ از تصویب گذرانده است و به این ترتیب به آن اعتبار قانونی بخشیده و خود را به آن متعهد ساخته است.

دولت ایران در رژیم گذشته بدون هیچ قید و شرطی میثاق را به رسمیت شناخته است و بعد از انقلاب نیز دولت جمهوری اسلامی ایران نه تنها میثاق را رد نکرده و خروج از عضویتش را اعلام ننموده بلکه سیاسی کلی‌اش مبنی بر همکاری با کمیته حقوق بشر بوده است. اما رویکرد نظام جمهوری اسلامی ایران با رویکرد کمیته حقوق بشر و میثاق در برخی از موضوعات نظیر، عدم تبعیض، حق حیات، حق محاکمه عادلانه، حق آزادی عبور و مرور و اخراج بیگانگان، آزادی مذهب و بیان، آزادی انجمن‌ها و مجامع و حقوق مربوط به اقلیتها دارای تعارضات و مغایرت‌هایی بوده اند که در جای خود باید به آنها پرداخته شود.^{۴۱}

۱-۵-۱-۲- حقوق بنیادی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بشر در قوانین داخلی ایران

جمهوری اسلامی ایران در ۴ آوریل ۱۹۶۸ (برابر با میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ به تصویب رسید) این میثاق بین‌المللی را امضاء و در ۲۴ ژنویه ۱۹۷۵ (بدون ارایه حق شرط) به تصویب رساند. پروتکل الحاقی آن میثاق تاکنون از سوی جمهوری اسلامی ایران تصویب نشده است.

۴۰. محمد جعفر حبیب زاده، و اسماعیل رحیمی نژاد، «کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی ۴ (۱۳۸۶)، ۱۲۱.

۴۱. دولت‌شاهی، پیشین، ۲۶.

جمهوری اسلامی ایران از زمان ایجاد کمیته ناظر میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در دو نوبت به کمیته‌ی مذکور گزارش خود را ارائه کرده است.^{۴۲}

اولین گزارش در سال ۱۹۹۲ به کمیته ناظر ارائه و این گزارش شامل اطلاعاتی مخصوصاً مربوط به تکمیل ماده ۱۵ میثاق بود و نیز اطلاعاتی مربوط به وضعیت زنان و بیکاری در ایران را شامل می‌شد.^{۴۳}

در این گزارش هیچ اطلاعاتی در مورد عوامل و مشکلاتی که میزان اجرای محدودیت‌ها در مصوبه کنونی را که در ماده (۲) ۱۷ میثاق را تحت تأثیر قرار می‌دهد را ندارد، هر چند که کمیته مشاهده کرد که مواد متنوعی از بخش‌های پایه‌ای گزارش ایران با توجه به حقوق بشری می‌باشد که شامل حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد، برای محدودیت‌هایی از قبیل "به شرطی که مخالف اسلام نباشد" (ماده ۲۸) با توجه به استانداردهای اسلامی (ماده ۲۰) مطابقت با معیارهای اسلامی ماده (۲۰) فقط زمانی که برای پایه‌های اساسی ایران ضروری است (ماده ۲۴) و در بخشی که مربوط به ملاحظات کمیته می‌باشد. در سایه‌ی تأمینات کمیته و تمامی اطلاعات در دسترس چنین عبارتهای محدود کننده‌ای اجرای میثاق را محدود می‌سازد و مخصوصاً در ماده ۲ (غیرتبعیضی) ماده ۳ (برابری حقوق مردان و زنان) ماده ۶ (حق کار) ماده ۱۲ (حق سلامتی) ماده ۱۳ (حق آموزش) و ماده ۱۵ (حق زندگی فرهنگی). کاملاً واضح است که قوانین در ایران با استفاده از مسائل مذهبی می‌باشد و پیش زمینه‌ای برای سوءاستفاده از این حق‌ها می‌باشند.

دومین گزارش دوره‌ای جمهوری اسلامی ایران پروسه زمانی نسبتاً طولانی را طی کرد. اولین تلاش‌ها و اقدامات برای ارایه این گزارش در سال ۱۳۸۰ آغاز شد. نهایتاً در سال ۱۳۸۳ با مشارکت ۱۴ دستگاه اجرایی داخلی این گزارش تهیه و پس از ترجمه آماده ارایه به کمیته‌ی مذکور گردید ولی متأسفانه به دلایلی ارسال آن متوقف گردید. (جم، ۱۳۸۷: ۲۹)

در نهایت در اوایل شهریور ماه ۱۳۸۸ گزارش نهایی و ترجمه آن نیز تا اواخر مهرماه ۸۸ صورت گرفت و در نیمه اول آبان ماه به دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر ارسال و اعلام وصول شد.

دومین گزارش دوره‌ای جمهوری اسلامی مربوط به میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در بخش‌های متنوعی تدوین گردیده است؛ که به اجمال به قرار زیر است.

مقدمه: در بخش مقدمه کلیاتی در خصوص وضعیت جمهوری اسلامی ایران و میثاق و چارچوب‌های قانونی و سیاستگذاری‌ها در خصوص مفاد میثاق تشریح شده است.

مواد مختلف: در این بخش ۹ ماده اصلی هدف، در ۹ بخش مجزا، یعنی مواد ۶ تا ۱۵ در سه حوزه مختلف توضیح داده شده است.

بنابراین با توجه به موارد فوق در منظومه هندسی حقوق بشر، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به یک سلسله حقوقی اطلاق می‌شود که به منظور رفع بی‌عدالتی‌های اجتماعی و اقتصادی برای فرد شناخته شده است.^{۴۴}

۱- سیاست‌ها و برنامه‌ها

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

- برنامه چهارم توسعه

- چشم‌انداز بیست ساله

- مقررات دستگاهی

۲- آمارهای مقایسه‌ای سالهای اخیر (۵ ساله و ده ساله)

۳- برنامه‌های آتی

۴۲. رامین حاجی امیری، نسرین حاجی امیری، صفا حسن. «بررسی حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی محیط زیست در ایران» (مقاله ارائه شده در اولین همایش ملی جغرافیه، شهرسازی و توسعه پایدار، دانشگاه تهران (تهران)، ۸ اسفند ۱۳۹۲)

۴۳. ملاحظات پایانی مربوط به گزارش ایران para2, 3, E/C.12/1993/7

۴۴. محمد تقی جعفری، تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر (تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰)، ۱۱۵

۱-۵-۲- نیازهای زیستی انسان در پرتو قوانین داخلی ایران کنونی

آنچه در قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران در حیطه ی کرامت انسان مطرح است شامل اصل دوم قانون اساسی ایران بوده است که مقرر می دارد « جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به

۱) خدای یکتا و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر او

۲) وحی الهی و نقش بنیادین آن در بیان قوانین

۳) معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا

۴) عدل خدا در خلقت و تشریح

۵) امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی

۶) کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا

چنانچه که ملاحظه می شود در بند ۶ این اصل اعتقاد به کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در

برابر خدا در کنار اصول اعتقادی یعنی توحید، نبوت، معاد، امامت و عدل مطرح شده است.

این امر بیانگر اهمیت بنیادین و اساسی موضوع کرامت انسانی است.^{۴۵}

علاوه بر این در مقدمه قانون اساسی چنین مقرر شده است « پیروی از اصول قوانینی که آزادی و کرامت ابنای بشر را

سرلوحه اهداف خود دانسته و راه رشد و تکامل انسان را می گشاید بر عهده همگان است»

همچنین بر اساس اصل سوم قانون اساسی، طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب (بند ۵) رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه های مادی و معنوی (بند ۹) تأمین آموزش و پرورش رایگان برای همه در تمامی سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی (بند ۳)، محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصار طلبی (بند ۶)، پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه (بند ۱۲)، تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه و تساوی عموم در برابر قانون (بند ۱۴)، توسعه و تحکیم برادری و تعاون عمومی بین همه مردم (بند ۱۵) و مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی اجتماعی و فرهنگی خویش (بند ۸) از مهمترین وظایف دولت جهت تحقق اهداف مذکور در اصل دوم و در رأس آنها احترام به آزادی و کرامت ابنای بشر می باشد.

همچنین بر اساس اصل سوم قانون اساسی، طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب (بند ۵) رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه های مادی و معنوی (بند ۹) تأمین آموزش و پرورش رایگان برای همه در تمامی سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی (بند ۳)، محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصار طلبی (بند ۶)، پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه (بند ۱۲)، تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه و تساوی عموم در برابر قانون (بند ۱۴)، توسعه و تحکیم برادری و تعاون عمومی بین همه مردم (بند ۱۵) و مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی اجتماعی و فرهنگی خویش (بند ۸) از مهمترین وظایف دولت جهت تحقق اهداف مذکور در اصل دوم و در رأس آنها احترام به آزادی و کرامت ابنای بشر می باشد.^{۴۶}

قانونگذار در اصول دیگری با پیش بینی مقرراتی چون منع شکنجه (اصل ۳۸) منع هتک حرمت و حیثیت دستگیر شدن و زندانیان (اصل ۳۹) منع تبعید خودسرانه یا تغییر اقامت اجباری (اصل ۳۳) منع عطف کردن قوانین جزایی به گذشته (اصل ۱۶۹)، حقوق مساوی اقوام و قبایل (اصل ۱۹)، اصل قانونی بودن جرم و مجازات (اصل ۳۶) و اصل برائت (اصل ۳۷) احترام به کرامت انسانی را مورد تأکید قرار داده است و بدین وسیله از آن حمایت کرده است.^{۴۷}

۴۵. کوهشایی نادر میرزایی، امید سلیمی بنی، *مبانی حقوقی فیلترینگ شبکه های اجتماعی تلگرام، فیس بوک و توئیتر از دیدگاه حقوق بشر* (تهران: هوشمند تدبیر، ۱۳۹۷)، ۴۱

۴۶. ابراهیم موسی زاده، و هادی شکری، *حقوق بشر در اسلام* (تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳)، ۵۳

۴۷. حبیب زاده، پیشین: ۶۳

این مقاله با هدف بررسی نیازهای زیستی انسانی به مثابه بنیان حقوق بشر و بازتاب آن در اسناد بین الملل حقوق بشر و قانون اساسی ایران با هدف، شناخت رویکردهای مربوط به مقوله حق برخورداری از حیات، آزادی، امنیت، مسکن، بهداشت، و... . تشریح مبانی حقوق بشر در نظام حقوقی ایران و جامعه بین المللی و واکاوی جایگاه نیازهای انسانی در تقنین در حوزه حقوق بشر، انجام پذیرفت. نتایج گویای آن بوده است که احترام و حمایت از نیازهای اساسی انسانی از جمله تأمین نیازهای اساسی اولیه و ثانویه برای بقای انسان‌ها به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر از سوی کشورها است. به طور اساسی نیازهای زیستی انسان به نیازهای جسمی، اجتماعی و فردی تقسیم می‌شوند. و شامل مواردی از قبیل؛ نیازهای جسمی، نیازهای اجتماعی و نیازهای فردی است. نیازهای زیستی در پرتو اسناد بین المللی در بخش سوم ماده ۶ میثاق بین الملل ماده ۱ تا ۲۷ آمده است. اما آنچه که در این میثاق از نیازهای زیستی انسانی تعریفی به میان آورده شود ارائه نشده است اما با تفسیر آن می‌توان در موادی جداگانه به مفهوم نیاز و حق زندگی انسانی و هر آنچه برای زیستن انسان نیاز هست پی برد. در اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد نیازهای اساسی و عدالت محور انسان برای زندگی در حیطه‌ی حقوق شخصی شامل؛ حق حیات و برخورداری از آزادی و امنیت شخصی، آزادی از شکنجه و رفتار یا مجازات بی رحمانه، غیر انسانی یا تحقیر آمیز، آزادی از دستگیری یا بازداشت خودسرانه، حق دادرسی منصفانه، آزادی از تبعیض، حق برابری حمایت قانونی، آزادی از مداخله خودسرانه در حریم خصوصی، خانواده، خانه یا مکاتبات، آزادی انجمن، بیان، گردهمایی و رفت و آمد، حق درخواست و بهره مندی از پناهندگی، حق تابعیت، آزادی فکر، وجدان و دین، حق رأی و مشارکت در حکومت، حق شرایط کار مطلوب و عادلانه، حق غذای کافی، پناهگاه، پوشاک و امنیت اجتماعی، حق سلامت، حق آموزش، حق مالکیت، حق مشارکت در زندگی فرهنگی، حق توسعه / پیشرفت اشاره شده است. ساختار کلی فعلی این اعلامیه جهانی و ساختار ایجاد شده شامل؛ یک مقدمه و سی ماده است که مواد ۱ و ۲ آن اشاره به پایه اصلی مفاهیم کرامت، آزادی، برابری و برادری مواد ۳ تا ۵ به حقوق فردی مانند حق زندگی و منع برده‌داری مواد ۶ تا ۱۱ به اساس قانونی حقوق بشر با تمهیداتی برای دفاع در زمان نقض قوانین، مواد ۱۲ تا ۱۷ به حقوق فردی در جامعه، مواد ۱۸ تا ۲۱ به آزادی‌های سیاسی، عمومی و روانی از جمله آزادی اندیشه، نظر، دین، وجدان، حرف و آزادی انجمن و مواد ۲۲ تا ۲۷ بر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افراد از جمله حق سلامتی و مواد ۲۸ تا ۳۰ نیز بر روش استفاده از قوانین اعلام شده و همچنین مواردی که قابل اجرا نیستند، می‌پردازند. این اعلامیه بر حقوق افراد در جامعه تأکید دارد و اعلام می‌دارد که نباید از این مواد به گونه‌ای استفاده شود که با اهداف ملل متحد در تضاد باشد. با مطالعه و بررسی موضوع نیازهای زیستی انسانی به مثابه حقوق بشر در اسناد بین المللی علاوه بر موارد فوق کنوانسیون‌هایی که در ارتباط با موضوع نیازهای اساسی انسان برای زیستن به مثابه حقوق بشر مد نظر است شامل؛ کنوانسیون حق به شهر، کنوانسیون حقوق افراد معلول، کنوانسیون حمایت از کودکان، کنوانسیون حمایت از حقوق زنان، کنوانسیون حمایت از پناهندگان برای زندگی در نقطه پناهندگی، حق تعیین سرنوشت، حق آزادی، حق رویه قضایی عادلانه، حق آزادی حرکت، حق آزادی اندیشه، حق آزادی ادیان، حق آزادی بیان، حق آزادی اجتماع، حق آزادی انجمن بوده که در هریک از این کنوانسیون‌ها به ضوابط و قواعدی در راستای نیازهای بشر پرداخته است. اما با بررسی نیازهای زیستی انسان در قوانین جمهوری اسلامی ایران در پرتو اسناد بین المللی باید عنوان کرد که از دیدگاه قانونگذار ایرانی حق زندگی و حق زیستن یک امتیاز و یک نیاز بنیادین محسوب می‌گردد، بنابراین دخالت و تجاوز به حقوق و حریم زندگی اشخاص علاوه بر این که امنیت جامعه را به خطر می‌اندازد بلکه موجب اختلال در همه امور زندگی انسانی می‌گردد. لذا عملکرد قانونگذار بایستی علاوه بر ایجاد مانع در مقابل ناقضان حقوق عمومی انسانی باشد باید در برگزیده‌ی تأمین نیازهای زیستی انسانی نیز باشد، در ایران نیز مشابه سایر کشورها، جهت برقراری امنیت و جلوگیری از احقاق حقوق شهروندان، قانون گذاران اقدام به وضع مقرراتی در این راستا براساس میثاق‌های بین المللی نموده‌اند.

بحث نیازهای اساسی زیستی در قانون اساسی ایران در مواد مختلفی، مستقیم و غیر مستقیم به آن اشاره و حتی

حدود برخی از آنها هم به صورت صریح بیان شده است و برای تنظیم روابط مردم و حفظ نظم در اجتماع، حقوق برای هر

کس امتیازاتی در برابر دیگران می‌شناسد و توان خاصی به او می‌بخشد. این امتیاز و توانایی را «حق می‌گویند که جمع آن حقوق است و حقوق فردی نیز بدان گفته می‌شود. در حقوق ایران علاوه بر این که فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (مواد ۱۹ تا ۴۲) مهمترین مصادیق حقوق بشر را به رسمیت شناخته است و طبق ماده ۹ قانون مدنی، اسناد اخیر اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیوسته و در حکم قانون داخلی است.

با توجه به اینکه حقوق بنیادین مدنی و سیاسی بشر اغلب مندرج در قوانین اساسی است، می‌توان بیان کرد برخلاف نحوه اجرا و تعهدات دولت‌ها در قبال حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که عمدتاً منوط به داشتن امکانات و منابع کافی شده‌اند و در آنها تعهد به انجام حداکثر اقدامات در راستای تحقق حقوق شرط شده است حقوق مدنی و سیاسی مندرج در میثاق حقوق مدنی و سیاسی مشروط به چنین اموری نشده‌اند بلکه تعهد به احترام تضمین این حقوق به طور فوری (نه تدریجی) توسط دولت‌ها در متن مقررات میثاق گنجانده شده است. از همین روی عمده تعهدات دولت‌ها در میثاق حقوق مدنی و سیاسی از جنس تعهد به نتیجه شمرده شده‌اند که در آنها دولت‌ها متعهد به ایفاء و تحقق حقوق و آزادی‌ها هستند. گرچه بسیاری از حقوق این دسته صرفاً با عدم مداخله دولت‌ها محقق می‌شوند اما بی تردید در تحقق کامل آنها اقدامات مثبت نیز لازم و ضروری می‌باشد. در این مقاله سعی بر آن شده است ضمن تحلیل و توصیف بنیادین مدنی و سیاسی بشر و شناخت دادن به این موضوع تا از میان این اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم بهره مند گردد تا نیازهای زیستی انسان‌ها را فراهم نموده تا بر اساس موازین قانونی به این مهم برسد. در این خصوص باید جایگاه بشر در جهان هستی بخصوص اسناد بین‌المللی و قانون اساسی معلوم شود با این حال درست است که بازیگران اصلی در حقوق بین‌الملل دولت‌ها هستند اما امروزه نقش بشر را نمی‌توان به دست فراموشی سپرد باید دولت‌ها به نیازهای زیستی بشر اهمیت قابل توجهی داشته باشند و در قوانین مدون خود جاری و ساری نمایند که جمهوری اسلامی ایران هم از این اصل مهم انسانی مستثنی نخواهد بود.

اسناد بین‌المللی باید بر اساس نیازهای جدید زیستی دچار تحول شوند و بر اساس این نیازها اصلاح شوند و قانون اساسی هم باید همواره در حال رشد باشد و نمی‌تواند خود را خارج از این موضوع بداند، بشر دارای اختیار و کرامت است و با هموعان خود برابر است. در نهایت باید گفت که اسناد بین‌المللی مثل میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی بشر به طبیعت بشر خوشبین است، هرچند شاید بشر ممکن الخطا باشد ولی بیم سازمان‌های بین‌المللی از خودکامی دولت‌ها استبدادی است و بیش از همه دل‌نگران خطای دولت‌ها است. از این رو تدابیری را برای جلوگیری از سوءاستفاده احتمالی باید پیش‌بینی کند و شاید عدم اشاره قانون اساسی به امکان حرکت قهقرایی بشر در جریان رشد معلول شأن تشریحی قانون اساسی باشد. هدف قانون اساسی پیشبینی سازوکار لازم برای فراهم ساختن شرایط رشد بشر در راستای نیازهای زیستی است که با این رویکرد باید با اسناد بین‌المللی سازگار باشد.

منابع و مأخذ

- ابراهیمی، جهانبخش. سیری در حقوق بشر. چاپ اول. تهران: زوار، ۱۳۸۳.
- احمدی، سیدمحمدصادق و خادم پور، رامین. «آزادی بیان و محدودیت های آن در حقوق مطبوعات ایران» مقاله ارائه شده در نخستین کنگره بین المللی جامع حقوق، مرکز همایشهای توسعه ایران (تهران)، ۱۵ اسفند ۱۳۹۴.
- استفانی، گاستون و لواسوار، ژرژ و بولک، برنار. حقوق جزای عمومی. جلد اول. ترجمه حسن دادبان. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۵.
- باقری، علی. «اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه حقوق بشر اسلامی تضادها و اشتراکات». پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.
- بروجردی، مهرداد. «بررسی حق آزادی بیان در دیدگاه اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر». پایان نامه کارشناسی ارشد، قشم: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین الملل قشم، ۱۳۹۳.
- جعفری، محمدتقی. تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر. چاپ اول. تهران: دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰.
- حاجی امیری، رامین، حاجی امیری، نسرین، صفا حسن. «بررسی حقوق بین الملل و حقوق داخلی محیط زیست در ایران». مقاله ارائه شده در اولین همایش ملی جغرافیا، شهرسازی و توسعه پایدار، دانشگاه تهران (تهران)، ۸ اسفند ۱۳۹۲.
- حبیب زاده، محمد جعفر و رحیمی نژاد، اسماعیل. «کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». مجله پژوهش های حقوق تطبیقی ۴ (۱۳۸۶): ۸۲-۵۲.

- دولتشاهی، آرش. « حمایت کیفری از حقوق شهروندی در ایران، کانادا و اسناد بین المللی». پایاننامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۱.
- رضائیان، علی. مدیریت رفتار سازمانی. چاپ پنجم. تهران: علم و ادب، ۱۳۷۹.
- سید محمد قاری، سید فاطمی. حقوق بشر در جهان معاصر. چاپ دوم. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش، ۱۳۸۸.
- شریفیان، جمشید. راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر در سازمان ملل متحد. چاپ اول. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰.
- طباطبایی مومنی، منوچهر. آزادی های عمومی و حقوق بشر. تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- کاتوزیان، ناصر. فلسفه حقوق. جلد ۱. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷.
- گرجی، علی اکبر. «مبنا و مفهوم حقوق بنیادین»، فصلنامه حقوق اساسی ۲ (۱۳۸۳): ۷-۲۶.
- مصفا، نسربین، منور میرزایی. کتابشناسی مطالعات و پژوهش های حقوق بشر در ایران. چاپ اول. تهران: گنج دانش، ۱۳۹۷.
- معین، محمد. فرهنگ فارسی. موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران.
- مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر. به نقل از نشریه شماره ۲۷ بهمن ۱۳۷۰ دانشکده حقوق دانشگاه تهران ترجمه فارسی.
- ممتاز، جمشید. حقوق بشر در پرتوتحولات بین المللی. چاپ اول. تهران: انتشارات دادگستر، ۱۳۷۷.
- موسی زاده، ابراهیم و هادی شکری. حقوق بشر در اسلام. چاپ اول. تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳.
- مومنی راد، احمد، حسین موسوی فر. «موازن وضع تحریم های شورای امنیت و وضعیت حقوق بشر در قطعنامه های هسته ای علیه جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی ۲ (۱۳۹۱): ۱۴۱-۱۶۲.
- مومنی راد، احمد، فرهاد باقری. «چالشها و تقابل صالحیت های اتحادیه اروپایی و دولت های عضو در مسایل پلیسی و کیفری مربوط حوزه ی آزادی عدالت و امنیت». مجله مطالعات حقوق عمومی ۳(۱۳۹۶): ۶۸۹-۷۰۶.
- مهر پور، حسین. نظام بین المللی حقوق بشر. چاپ اول. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۷.
- مهرپور، حسین. حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران. چاپ دوم تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۸.
- نادر میرزایی، کوهشایی، امید سلیمی بنی. مبانی حقوقی فیلترینگ شبکه های اجتماعی تلگرام، فیس بوک و توئیتر از دیدگاه حقوق بشر. چاپ اول. تهران: هوشمند تدبیر، ۱۳۹۷.
- والاس، ربکا. حقوق بین الملل. ترجمه و تحقیق دکتر سید قاسم زمانی و مهناز بهراملو. تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۲.
- هاشمی، سید محمد. حقوق بشر و آزادی های اساسی. چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۴.
- هییت اله، نژندی منش. درآمدی بر حقوق بین الملل بشر. چاپ اول. انتشارات: خرسندی، ۱۳۹۵.

– یاوری، اسداله. « حق برخورداری از دادرسی منصفانه و آیین دادرسی نوین ». فصلنامه حقوق اساسی ۲ (۱۳۸۳) : ۲۵۵.